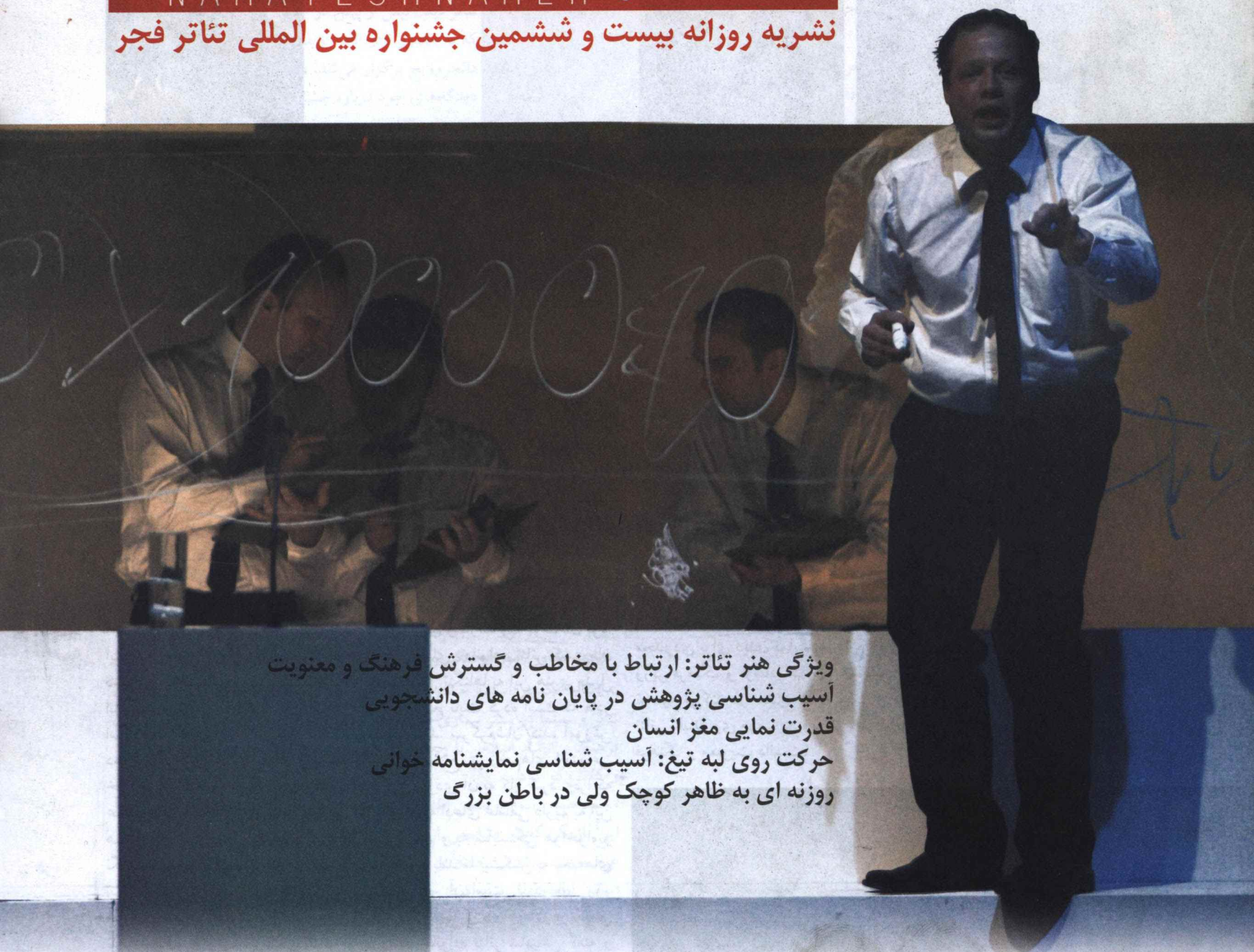


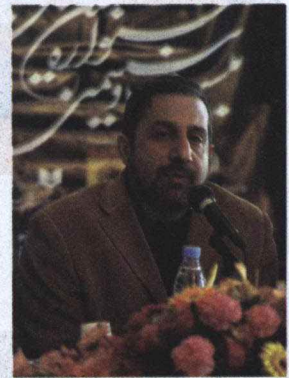
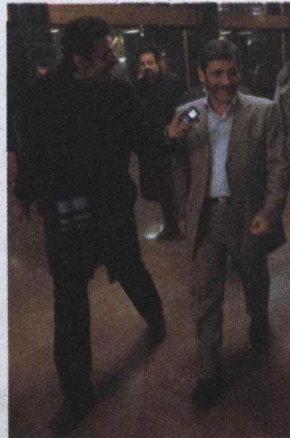
نمایشنامه

NAMAYESHNAMEH-3

نشریه روزانه بیست و ششمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر



ویژگی هنر تئاتر: ارتباط با مخاطب و گسترش فرهنگ و معنویت
آسیب شناسی پژوهش در پایان نامه های دانشجویی
قدرت نمایی مغز انسان
حرکت روی لبه تیغ: آسیب شناسی نمایشنامه خوانی
روزنه ای به ظاهر کوچک ولی در باطن بزرگ

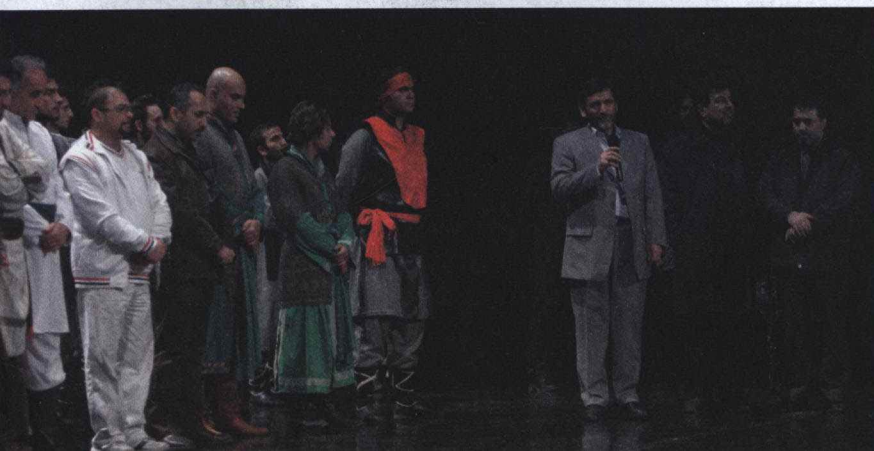


وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: ویژگی هنر تئاتر در ارتباط با مخاطب و گسترش فرهنگ و معنویت است

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی معتقد است، آنچه از شواهد و قرائن پیداست به جهت تلاش و زحمت دوستان و همکاران هنرمند در دبیرخانه جشنواره بیست و هشتم، بی شک می بایست شاهد رشد و بالندگی خوبی در این جشنواره باشیم.

محمدحسین صفارهرندی شب گذشته در حاشیه تماشای نمایش «در قاب ماه»، شرکت داده شده در بخش ویژه انقلاب اسلامی بیست و هشتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر با اعلام این مطلب به خبرنگار نشریه روزانه جشنواره گفت: «این اولین نمایشی است که در جشنواره می بینم و داوری برای کم و کیف جشنواره را به روزهای پایانی جشنواره موکول می کنم.

صفارهرندی در پاسخ به این سوال که در طول سال، جدا از ایام جشنواره نیز به دیدن نمایش ها می آید؟ پاسخ داد: به دلیل مسوولیت هایی که بنده دارم وقت محدودی برای دیدن نمایش ها دارم، اما سعی می کنم به دیدن نمایش ها بروم. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین خاطرنشان کرد که به همکاران خود توصیه می کند در حدی که به وقت و تعهد شغلی شان لطمه نخورد به دیدن تئاتر بیایند. وی مهمترین ویژگی هنر تئاتر را در ارتباط با مخاطب و گسترش فرهنگ و معنویت دانست.



پیام رئیس محترم مرکز هنرهای نمایشی

هزاران سپاس یکتایی را که در گردش این ایام، ما را گواه روزهایی قرارداد که جشنواره های وزین و دیرین تئاتر فجر را از سر بگذرانیم و با افتخار برآستانی قرار گیریم که رشد و گستردگی بی نظیر آن را شاهد باشیم.

بیست و هشتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر با تکیه بر تجارب ارزشمند ربع قرن برپایی این رخداد مهم، با هدف رشد و اعتلای هنر نمایش زمینه ای مناسب برای بازتاب سنجیده مجموعه اقدامات، توانمندی ها و تحولات چشمگیر تئاتر کشور تلقی می شود.

امروز، تئاتر این هنر مقدس و فراگیر با گرایش ها و زمینه های تازه و پیدایی خطوط ارتباطی جهانی و داخلی، دیگر یک مهمان ناخوانده نیست و به راحتی می توان انعکاس روشنی از وقایع پیرامونی آن را در بستری از زندگی اجتماعی مان مشاهده کرد و از این امداد، روشنگری و بازنمایی خوشحال بود. اینک با چنین آرمان غایی، مسوولیت همه اعضای خانواده تئاتر کشورمان دشوار و پیچیده تر می شود. پس باید در سخت ترین تنگناها به این هنر بی بدیل اندیشید و فراموش نکرد که تئاتر در همواره تاریخ ثابت کرده است که قادر است به آدم های روزگار خود ندا دهد، تلنگر بزند. سرگرم شان کند، آموزش دهد و اگر لازم شد به قصد ترمیم و به هوای اصلاح، بر زخم های اجتماعی خود درنگ کند و هر آنچه در چپته دارد برای بهبودی آن به کار گیرد. چرا که عشق، طالب شب بیداری های متمادی است و ما که ادعای عاشقی داریم به این هنر و این سرزمین، باید بیش از پیش تلاش کنیم و به شایستگی هواخواه و نگاهبان موجودیت تئاتر باشیم. قدر مسلم خضوع بلند ما پیشکش به نخبه های این عرصه و ساحت این هنر و تمامی گستردگی آن است. تا در این روز مبارک رشد و گسترش جشنواره بین المللی تئاتر فجر و پژواک آن در گوش تئاتر جهان، به ویژه سربلندی تئاتر ایران را به خانواده تئاتر شادباش گفته و این شکوه را جشن بگیریم.

حسین پارسایی

داوران بخش مسابقه بین‌المللی تئاتر جشنواره:

جشنواره تئاتر فجر و آثار اجرا شده در آن ما را غافلگیر کرد

این قابلیت برخوردار است که موجب نزدیکی فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر شده و پیام‌آور صلح، دوستی و ترویج معنویت دومین جامعه بشری باشد.

دبیر بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر اضافه شدن بخش‌هایی چون مسابقه بین‌المللی تئاتر، تئاتر شرق، تئاتر دانش‌آموزی، تئاتر دانشگاهی، تئاتر رادیویی و تلویزیونی و تئاتر فراگیر را به جشنواره امسال در راستای تحقق عملی شعار «تئاتر برای همه» ارزیابی و اظهار امیدواری کرد که با برگزاری چنین جشنواره‌هایی فرهنگ تئاتر دیدن بیش از پیش در جامعه نهادینه شود. در این دیدار که با حضور نادر القنه، ویلسون هنریکو و الکساندر ساشا دانجروویچ برگزار می‌شد، هرکدام از این داوران با تشریح دیدگاه‌های خود درباره جشنواره تئاتر فجر پرداختند.

دکتر نادر القنه ضمن تحسین حرکت‌های فرهنگی ایران در سال‌های گذشته، ایران را کشوری با تمدن کهن و پیشگام در توسعه فرهنگ و هنر جهانی توصیف کرد و افزود: «بسیار خوشحالم که به ایران آمده‌ام و معتقدم این رفت و آمدها در آینده موجب نزدیکی هرچه بیشتر کشورها به یکدیگر شده و تصویر غلطی را که برخی کشورهای غربی از ایران ساخته‌اند، اصلاح خواهد کرد.

دکتر ویلسون هنریکو نیز از حضور خود در ایران اظهار خوشحالی کرد و گفت: «امیدوارم بتوانم تجارب خوبی را

از حضور در جشنواره شما به کشورم منتقل کنم.»

دکتر الکساندر ساشا دانجروویچ نیز جشنواره تئاتر فجر را جشنواره‌ای مهم توصیف کرد و افزود: «از برنامه‌هایی که در این جشنواره تدارک دیده شده بسیار غافلگیر شدم.» وی تبادل تجارب را در حوزه تئاتر بسیار حیاتی قلمداد کرد و گفت: «بسیاری از کشورها مایل هستند با تئاتر ایران آشنا شوند و حضور میهمانان خارجی در چنین جشنواره گسترده‌ای که در حقیقت نمایی از تئاتر ایران است به آنها کمک می‌کند تا تصویری روشن از فعالیت‌های تئاتری کشور شما پیدا کنند.

مشایخی پس از بهبود، روی صحنه می‌رود.

عیادت معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از جمشید مشایخی

به دنبال آنکه در آستانه جشنواره تئاتر فجر جمشید مشایخی، بازیگر پیشکسوت تئاتر و سینما در بستر بیماری قرار گرفت با خبر شدیم معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با حضور در منزل جمشید مشایخی با این هنرمند دیدار و گفت‌وگو کرد.

محمدحسین ایمانی ضمن اظهار خرسندی از بهبود وضعیت جسمانی و سلامتی این بازیگر گفت: مشایخی از هنرمندان پیشکسوت و موثر است که نه تنها در عرصه هنر، بلکه در اخلاق و منش الگویی برای جوانان این عرصه است.

ایمانی اظهار امیدواری کرد: جمشید مشایخی بار دیگر در صحنه نمایش حضور یابد و در نمایشی مناسب ایفای نقش کند.

جمشید مشایخی نیز با اظهار تمایل به حضور در عرصه‌ی تئاتر اظهار تمایل و آمادگی کرد تا در نمایشی آیینی با متن و اجرای مناسب ایفای نقش داشته باشد.

داوران غیرایرانی بخش مسابقه بین‌المللی تئاتر در نشستی میان حسین پارسایی، رئیس مرکز هنرهای نمایشی و مجید سرسنگی دبیر جشنواره بیست‌وششم تئاتر فجر به تشریح دیدگاه‌های خود درباره جشنواره و آثار راه‌یافته به آن پرداختند.

به گزارش روابط عمومی بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، جمعه‌شب حسین پارسایی و مجید سرسنگی با حضور در محل اقامت داوران غیرایرانی بخش مسابقه بین‌المللی تئاتر جشنواره با ایشان درخصوص فعالیت‌های تئاتری در ایران و نیز کم‌وکیف برگزاری جشنواره تئاتر فجر به بحث و گفت‌وگو پرداختند.

رئیس مرکز هنرهای نمایشی در این جلسه حرکت تئاتر در ایران را رو به رشد توصیف کرد و افزود: «بیش از هزار گروه تئاتری در کشور ما فعالیت می‌کنند که بخش عمده‌ای از آنها را جوانان تشکیل می‌دهند.»

وی همچنین به رشد حضور تئاتر ایران در عرصه‌های بین‌المللی اشاره کرد و گفت: «امروز تعدادی از هنرمندان و مدیران تئاتر ایران عضو تشکلهای بین‌المللی تئاتر بوده و در یک سال گذشته تئاتر ایران حدود ۷۰ حضور در جشنواره‌ها و رخدادهای بین‌المللی تئاتر داشته است. پارسایی در بخش دیگری از سخنان خود به گستردگی جشنواره تئاتر فجر به‌عنوان مهم‌ترین رخداد تئاتری سال

کشور اشاره و اظهار امیدواری کرد این جشنواره بتواند هم به توسعه تئاتر در داخل و هم به شناساندن چهره واقعی تئاتر ایران به سایر کشورها کمک کند.

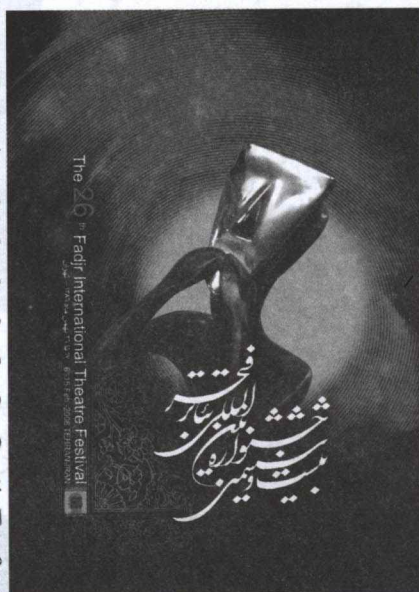
مجید سرسنگی، دبیر جشنواره بیست‌وششم تئاتر فجر نیز با اظهار خوشحالی از حضور تعداد قابل‌توجهی از استادان و مدیران تئاتر سایر کشورها در جشنواره امسال، به تشریح بخش‌های مختلف جشنواره پرداخت و گفت: «تئاتر ایران از پتانسیل بالایی برخوردار است و جشنواره فجر فرصت مغتنمی است تا گوشه‌هایی از این ظرفیت ارائه شود.»

سرسنگی روابط فرهنگی بین کشورها را مهم ارزیابی کرد و افزود: «هنر تئاتر از

یک خبر برای منتخبان

جشنواره‌ها و مرور تئاتر ایران

به گزارش ستاد خبری و به نقل از عابس خلقی مسوول کمیته‌های منتخبان جشنواره‌ها و مرور تئاتر ایران، کلیه گروه‌های شرکت‌کننده در این دو بخش می‌توانند پس از اجراهای خود در جشنواره با مراجعه به امور مالی بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، نسبت به تسویه حساب قراردادهای خود اقدام نمایند. شایان ذکر است امور مالی جشنواره در خیابان استاد شهریار، خیابان هانری کرین، پلاک ۶۰، طبقه اول می‌باشد. تلفن تماس امور مالی جشنواره ۶۶۷۰۰۲۵۸.



همه چیز برای یک فستیوال واقعی تهیه شده



تماشاگران تنها جایی را که به رسمیت می‌شناسد تئاتر شهر است. اما ما باید کاری کنیم که اگر تماشاگران در طول هفته یک کار نبینند احساس کمبود کنند، توجه کنید با این همه دانشجوی علاقه‌مند به تئاتر که داریم، نباید هیچ سالی صندلی خالی داشته باشد. در واقع حداقل آنها باید به تئاتر دیدن عادت کنند.

• این جشنواره برای گروه‌های دانش‌آموزی

هم برنامه‌ای ویژه داشته، این امر تا چه میزان می‌تواند برای تماشاگران و هنرمندان آینده تئاتر موثر باشد؟

در واقع شروع کار تئاتر از آموزش و پرورش کمی دیر است و باید این کار زیربنایی را از کودکانها شروع کنیم تا سال‌ها بعد بدانیم چه جشنواره‌ای برگزار می‌کنیم. برگزاری جشنواره یعنی برداشت محصول. پس از هم‌اکنون باید بذر تئاتر خلاق را بکاریم تا در زمان مناسب درو کنیم.

«علیرضا خمسه» بازیگر طنزپرداز تئاتر، روز گذشته میهمان جشنواره بیست‌وششم بود و با همان حال و هوای طنز همیشگی خود پاسخگوی سوالات ما بود. زمانی که از او پرسیدیم به تماشای چه کاری آمده گفت نوک زبانم است اما نامش یادم نمی‌آید!

• نظرتان درباره جشنواره امسال چیست؟

در جشنواره امسال تمام امکانات برای برگزاری یک فستیوال واقعی تهیه شده است و همه چیز برای برگزاری یک جشن بزرگ فراهم است؛ اما به نظر می‌رسد که باید این انگیزه را بیشتر در مردم به‌وجود آوریم که از برنامه‌های جشنواره استقبال کنند. در گذشته این نیاز به‌شدت وجود داشته، اما سالن اجرای نمایش وجود نداشته و طبیعی است که زمانی که عرضه و تقاضا با هم برابری نکنند، رفته‌رفته مردم کنار می‌کشند و نیازشان کمرنگ می‌شود.

• و این جشنواره...

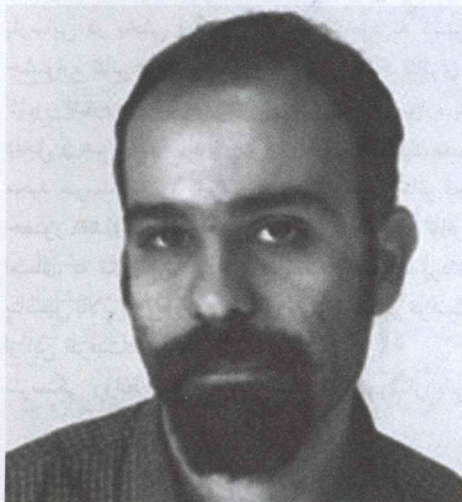
جشنواره در پی یک هدف است «تئاتر برای همه» و باید آن را در طول سال پیگیری کند.

• به اعتقاد شما جشنواره امسال پر شور نبوده است؟

در تئاتر شهر و تالار وحدت استقبال خوب بوده. این هم یک مساله است چراکه

کوتاه با آرش تنهایی دبیر بخش ۲۵ سال با پوستر تئاتر ایران

انتخاب ۱۱۴ پوستر از میان ۷۴۲ عدد



برپایی بیست و ششم و به منظور ایجاد عرصه رقابت، فراهم کردن امکانات مقایسه، نقد و تحلیل پوسترها و همچنین معرفی، تقویت و تشویق هنرمندان این عرصه برگزاری نمایشگاهی از بیست و پنج سال پوستر تئاتر به همراه کتاب انتشار کتابی در این حوزه را در دستور کار قرار داده است.

• چند اثر به دبیرخانه رسیده است و چند اثر برگزیده و در مسابقه شرکت کرده اند؟

این نمایشگاه در دو بخش مسابقه و مرور برگزار شده است، در بخش مرور ۱۱۴ پوستر تئاتر که از اجرای بیست و پنج سال اخیر و از بین ۷۴۲ پوستر گردآوری شده و از مراکز و ارشیوهای شخصی و دولتی جمع آوری شده است. در بخش مسابقه نیز ۸۰ پوستر از مجموع ۲۸۵ پوستری که طی فراخوان به دست ما رسیده است انتخاب شده اند.

• به نظر شما پوستر تئاتر چه ویژگی‌هایی دارد؟

پوستر تئاتر از بسیاری از جهات شبیه پوسترهای دیگر است، این پوستر در درجه اول باید تاثیرگذاری سریع داشته باشد و توانایی دیده شدن و کنتراست با محیط از دیگر ویژگی‌های آن است. با این حال پوستر تئاتر به لحاظ ویژگی‌هایش مردمی تر است.

آرش تنهایی متولد ۱۳۶۰ است، فوق‌دیپلم گرافیک دارد و فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد تئاتر است. از عمده فعالیت‌های او می‌توان به شرکت در دو سالانه پوستر تهران و جهان اسلام در سال ۸۶ و دستیابی به عنوان طراح برگزیده دهمین جشنواره دانشجویی اشاره کرد. با او درباره پوستر تئاتر بخش مسابقه و مرور ۲۵ سال پوستر تئاتر ایران گفت و گویی انجام دادیم که می‌خوانید:

• سیاست‌های کلی شما در برگزاری چنین بخشی

در کنار اجرای صحنه‌ای نمایش‌ها چیست؟

طراحی پوسترهای تئاتر در ایران قدمت زیادی دارد، اما علی‌رغم پیشینه طولانی‌اش هنوز جایگاه اصلی خود را نیافته. هر چند بیشتر طراحان و گرافیست‌ها با توجه به اهمیت آن علاقه‌مند طراحی پوستر هستند.

با نگاهی گذرا به پوسترهای موجود، میتوان به استفاده اندک کارگردانان از متخصصان این فن اشاره کرد. اما جشنواره بیست و ششم با شعار تئاتر برای همه در صدد است از فاصله فرهنگی نمایشگران و تماشاگران تئاتر بکاهد. از این رو حمایت و توجه به پوسترهای تئاتر به عنوان رسانه‌ای ماندگار و موثر در جذب مخاطب را مد نظر قرار داده است. از این رو

• پوسترهایی که شما برای بخش‌های مختلف تئاتر طراحی کرده اید از یک شیوه و اسلوب خاص پیروی نمی‌کند، به نظر می‌رسد در هر پوستر از یک سبک و سلیقه در طراحی استفاده شده است، دلیل خاصی برای این سبک وجود داشت؟

به نظرم هر گرافستی باید از موضوع و مفهوم خاص خودش پیروی کند، نه اینکه یک طراح شیوه‌ای واحد را انتخاب نماید. روش صحیح این است که براساس هر مفهوم و موضوع طراحی شود، نباید خلاقیت طراح را در چارچوب‌ها حبس کرد. هر طراحی باید کار خودش را انجام بدهد.

در حاشیه روز سوم جشنواره

آسیب شناسی پژوهش در پایان نامه های دانشجویی

چیستا یثربی: امروزه پایان نامه نوشتن، یک کار فرمالیته است

چیستا یثربی معتقد است: به دلیل نبود پشتوانه قوی در امر پژوهش، پایان نامه های دانشجویی وضعیت اسفناکی دارند. یثربی، نویسنده، کارگردان و مدرس تئاتر در گفت و گو با خبرنگار نشریه روزانه بیست و ششمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر با اعلام این مطلب افزود: «چون بیشتر دانشجویان فقط می خواهند فارغ التحصیل شوند، دنبال سوژه های بکر نمی روند، به همین دلیل پایان نامه ها دارای موضوعات تکراری هستند. آنها حتی از پایان نامه های ارائه شده قبلی استفاده می کنند، بدین ترتیب ما با حجم انبوهی از پایان نامه مواجهیم که نه تنها کاربردی نیستند بلکه ایرادهای بسیاری دارند. وی با اشاره به اینکه بسیاری از پایان نامه ها تنها به قیاس برداری از کتاب ها اکتفا شده و رویکرد جدیدی در بر ندارد، خاطرنشان کرد: سهل انگاری هم از سوی دانشجویان و هم از سوی استادان باعث می شود این اتفاق بیفتد، چون فکر می کنند تئاتر کار عملی است. در واقع تا وقتی پژوهش ضعیف است، پایان نامه ها نیز ضعیف هستند.

یثربی تصریح کرد: من بارها استاد مدعو بودم و در جلسات دفاعیه سوال هایی برآیم مطرح می شد که وقتی با استاد راهنما در میان می گذاشتم، می گفت: به روی جزئیات دقیق نشوید، گاهی به ندرت می شود پایان نامه این که امکانات نگاه پژوهشی را به شما بدهد و رویکرد جدیدی داشته باشد، در دوره کارشناسی ارشد پیدا کنید و این نگران کننده است. وی با بیان اینکه کار پژوهشی کار هر کس نیست، تأکید کرد: چطور ممکن است استادی که چند کار همزمان را قبول می کند، بتواند راهنمای دانشجو در ارائه پایان نامه باشد؟

یثربی با بیان خاطره ای از دوران دانشجویی اش گفت: زمانی که می خواستم پایان نامه ام را در مقطع کارشناسی در رشته روان شناسی ارائه کنم، دکتر کیانوش هاشمیان به دلیل نبود منبع، چند استاد خارجی را به من معرفی کرد که آنها برای من نوازهای VHS می فرستادند و ما با هم نامه نگاری می کردیم. در مقطع کارشناسی ارشد دکتر غلامعلی افروز این راه را برای من بیشتر باز کرد. این استادان بودند که من را مجبور می کردند به دنبال کلیشه های رایج نروم. اگر این اتفاق در تئاتر هم بیفتد، دانشجو مجبور می شود، تحقیق کند این در حالی است که امروز پایان نامه نوشتن بیشتر یک کار فرمالیته است. این کارگردان تئاتر که سال گذشته پیشنهاد ایجاد پژوهشکده را به چند ارگان ارائه کرده، در این ارتباط گفت: طرح را با عنوان «استفاده از تئاتر برای بهبود زندگی مردم» ابتدا به مرکز هنرهای نمایشی ارائه کردم اما آنجا گفتند که این مربوط به بهزیستی می شود. وقتی طرح را به بهزیستی ارائه کردم، آنجا گفتند به ما مربوط نیست، بلکه به تئاتر مربوط است. خلاصه همین طور ماند. اما این سوال هنوز مطرح است که چرا متولیان تئاتر به این فکر نمی کنند که ما پژوهشکده تئاتر نداریم. این در حالی است که چون پژوهش گری یک عمل گران قیمت است، نهادهای دولتی باید حمایت کننده باشند. وی در پایان درباره اختصاص بخشی از جشنواره امسال به بخش پژوهش اظهار کرد: «هر گاهی را نمی توان پیشروی داشت اما در عین حال برای پیشروی راهی به جز گام برداشتن نیست.

مسئولان و متولیان می خواهند این گام را بردارند، باید دید چه اتفاقی می افتد و سرانجام کار به کجا ختم خواهد شد.



■ نمایش های خیابانی جشنواره بیست و ششم فجر که با استقبال تماشاگران روبرو شده. حالا و هوایی متفاوت را به گوشه و کنار شهر تهران بخشیده است، اوج این فضای شاد در محوطه باز تئاتر شهر است که بعد از ظهرها در گرد اعضای گروه نمایش دیگر جای سوزن انداختن هم نیست.

■ اجرای نمایش «حسن، دیو، راه باریک پشت کوه» به کارگردانی افشین هاشمی با استقبال بسیاری روبرو شد، آنقدر که تا نیمه های سالن تماشاگران روی زمین به تماشای این تئاتر نشستند.

■ میهمانان خارجی جشنواره این روزها مدام از این سالن به آن سالن می روند و سعی می کنند تماشای هیچ نمایشی را از دست ندهند.

■ روز سوم جشنواره بسیاری از هنرمندان مهمان نمایش های مختلف بودند، بهرام بیضایی، سیامک احصایی، الناز شاکردوست، اکبر زنجان پور، مژده شمسایی، حسن پورشیرازی، فرهاد اصلانی و سهراب سلیمی به تماشای نمایش های در حال اجرا نشستند.

■ روبرتو چولی امسال هم به دیدن نمایش های جشنواره آمده است. چولی از تماشاگران پرو پاقرص تئاترهای جشنواره امسال است. گویا امسال هم تصمیم دارد که چند نمایش را به جشنواره روهر دعوت کند.

■ نمایش «در قاب ماه» دو اجرا داشت. این نمایش به کارگردانی حسین مسافر آستانه اولین اجرای خود را برای عموم علاقمندان تئاتر بر روی صحنه برد و ساعت ۲۱ اجرای فوق العاده ای برای اعضای محترم دولت و نمایندگان مجلس داشت که با خانواده های خود مهمان جشنواره بیست و ششم بودند.

■ بهرام بیضایی دو شب اول جشنواره، افرا را روی صحنه برد و شب سوم مهمان جشنواره بود. زمانی که خبرنگار بولتن درباره جشنواره از او پرسید، بیضایی پاسخ داد: «طی دو روز گذشته درگیر جشنواره بودم، اما برای مصاحبه با شما هم که شده جشنواره را دنبال می کنم».

■ تعداد دوربین های شبکه های مختلف سیما در برنامه های مختلف رکورد زدند و در سه روز گذشته جشنواره میزبان دوربین های شبکه های مختلف

بود. ■ سالن اصلی مولوی مهمان ویژه ای دارد. محمود استاد محمد پس از شش سال دوری از تئاتر «تهران» را به روی صحنه برد.

■ پس از ۳۶ اجرا در تالار وحدت، افرا همچنان خواهان دارد، بلیت این نمایش به بازار سیاه هم راه پیدا کرد. اما هنوز هم خیلی ها ظرف دو روز گذشته به گیشه تالار وحدت مراجعه می کنند و خواهان بلیت نمایشی هستند که دیگر اجرا نمی شود.

■ شب گذشته گروه نمایش نوک زبان از کشور سوئیس به فاصله خوردن یک شام دکور سنگین شان را جمع کردند و راهی سوئیس شدند.

■ وحیده قوهستانی در نمایش «مدارا» هم کارگردانی کرد هم بازی و هم طراحی صحنه، اما انگار کارگردانی و طراحی آن قدر وقت اش را گرفته بود که دیگر فرصت چندانی برای تمرین بازی برایش نمانده بود.

■ امین عظیمی دبیر جشنواره تئاتر عروسکی دانشجویی تماشاگر پرو پاقرص نمایش های جشنواره به ویژه نمایش های خارجی است، گویا می خواهد از میان گروه های خارجی مهمان دعوت کند. هر چند خودش معتقد است: «گروه های خارجی خود متقاضی حضور در جشنواره ها هستند و نیازی به دعوت کردن ندارند».

■ اطلاعات مجموعه تئاتر شهر مکانی خاص برای نصب پوسترها در نظر گرفته و تمامی گروه ها پوسترهای خود را در این مکان نصب کرده اند.

■ مهمانان برنامه تئاتر ۲۶ در شب دوم جشنواره اعضای گروه لمنوس از مکزیک بودند. اما اشکان صادقی مجری برنامه تئاتر ۲۶ به سبب بازی در نمایش «یرما» غایب بود.

کمبودها را می توان رفع کرد



از هنرمندان بتوانند با دلگرمی بیشتری به کار خود ادامه دهند.»

رسول حیدری بازیگر گروه شهرکرد که امسال با نمایش «آه کودک پشت در مانده» در جشنواره فجر حضور یافته، درباره وضعیت و کیفیت جشنواره امسال می گوید: «روز ۱۷ بهمن وارد تهران شدیم و در اینجا اسکان پیدا کردیم. از لحاظ اتاق و احتیاجات ایاب و ذهاب دچار هیچ مشکلی نبوده ایم.»

حیدری در ادامه می افزاید: «برنامه های جانبی مجموعه فرهنگیان در آشنایی گروه های شهرستانی با مکان های دیدنی شهر تهران بسیار اهمیت داشته است.»

وی در عین حال نظم حاکم بر جشنواره را امتیاز ویژه جشنواره امسال می داند و می گوید: «تبلیغات وسیعی که در زمینه معرفی کارها صورت گرفته، باعث آشنایی هرچه بیشتر مخاطبان این عرصه با هنر خاص تئاتر شده است.»

صحیحی برای جذب مخاطب در آن صورت گرفته است.»

امین رسولی، کارگردان نمایش رادیویی «مارال» از استان اردبیل هنرمند دیگری است که پای صحبتش می نشینیم. وی درباره وضعیت و کیفیت جشنواره می گوید: «اینکه باوجود تعدد نمایش ها و سالن های اجرایی، مسئولان ستاد اجرایی توانسته اند برنامه ریزی نسبتاً منسجمی داشته باشند. به شخصه برایم باورم با اینکه بعضاً در برخی موارد کمبودهای جزئی مشاهده می شود اما می توان امیدوار بود که در جشنواره های آینده همین کمبودهای جزئی هم رفع شود.»

رسولی درباره نحوه اسکان و برخورد همکاران مربوطه با گروه ها می گوید: «از لحاظ اسکان هیچ مشکلی نداشتیم و رفتار همکاران با ما خوب بود.» وی در پایان اظهار می دارد: «امیدوارم به وضعیت هنرمندان رادیو بیش از پیش توجه شود تا این دسته

در گپ و گفتی دوستانه با برخی گروه های اسکان یافته در مجموعه فرهنگیان، از نقطه نظرات این میهمانان درباره وضعیت و کیفیت جشنواره امسال مطلع شدیم. منوچهر امیدی بازیگر نمایش «چارچار» از سیاهکل درباره وضعیت ایاب و ذهاب گروه شان می گوید: «ما در این باره مشکل خاصی نداشتیم و امسال نسبت به سال گذشته این معضل، تا حد زیادی رفع شده است.»

وی می افزاید: «جداً از برنامه های جنبی خود مجموعه فرهنگیان برای گروه ها، اجراهای خیابانی و صحنه ای از تماشاگران زیادی برخوردار است. نمایش ما نیز از این امر مستثنا نبود و اقشار مختلف در سطوح متفاوت برای تماشای نمایش می آمدند.»

وی در پایان اظهار می دارد: «جشنواره فجر امسال نسبت به جشنواره های بین المللی دیگر از جایگاه خوبی برخوردار است. در عین حال اطلاع رسانی

گفت و گو با «محمود هاشمی» مسوول هماهنگی و اسکان گروه ها

تلاش برای خدمت به هنرمندان

ضمن اطلاع از ساعات و مکان های اجرایی با در دست داشتن بلیت به تماشای آثار جشنواره بنشینند.

● آیا گروه ها به طور کامل بلیت دریافت کرده اند؟
ما بلیت برخی از اجراها را به آنها داده ایم. برخی از اجراها را هم خود گروه ها تهیه کرده اند. گمان نمی کنم در این زمینه مشکلی وجود داشته باشد.

● جدا از اسکان گروه ها، آیا برنامه های جنبی نیز برای آنها در نظر گرفته اید؟

ما صبح ها برنامه خاصی را برای گروه ها در نظر گرفته ایم که برنامه بازدید از موزه های مختلف شهر تهران است. تا امروز دو برنامه داشته ایم و این برنامه تا پایان جشنواره ادامه خواهد داشت.

● استقبال گروه ها از این برنامه به چه صورت است؟

اجباری برای حضور در این برنامه وجود ندارد. گروه ها می توانند شرکت کنند یا به کارهای شخصی خود بپردازند وسیله ایاب و ذهاب هر روز صبح مقابل مجموعه حاضر است تا علاقه مندان برای بازدید از

پشت ساختمان زنبوری مخابرات در چهارراه لشکر، خیابان کاشانی قرار دارد. باشگاه فرهنگیان در این خیابان این روزها به مکانی پررفت و آمد بدل شده است. دلیل آن هم بی شک حضور گروه های شهرستانی در مجموعه فرهنگیان است. قدم زنان داخل می روم و وارد ساختمان مجموعه می شوم. فضای تئاتر در اینجا موج می زند. با محمود هاشمی درباره خدمات دهی و نحوه راهنمایی گروه های شهرستان گپی کوتاه داریم که می خوانید:

● چه تعداد گروه تاکنون در باشگاه فرهنگیان اسکان داده شده اند؟

تا امروز در حدود ۱۹ گروه در این باشگاه اقامت گزیده اند و تا پایان جشنواره این تعداد به ۴۷ گروه خواهد رسید.

● چه امکاناتی برای دیدن نمایش ها توسط میهمانان شهرستانی در نظر گرفته شده است؟

توافق کاملی بین ستاد و گروه ها به وجود آمده و گروه ها می توانند براساس دفترچه راهنمایی که تحویل گرفته اند،

موزه ها مشکلی نداشته باشند.

● در بخش اسکان گروه ها مشکلی ندارند؟

ما براساس قوانین هتل و گنجایش اتاق ها، به اسکان گروه ها پرداخته ایم. اگر تعداد عوامل اجرایی یک گروه بیش از ظرفیت اتاق مربوطه باشد، بی شک اتاق دیگری در اختیار آنها قرار می دهیم و از این نظر محدودیتی وجود ندارد.

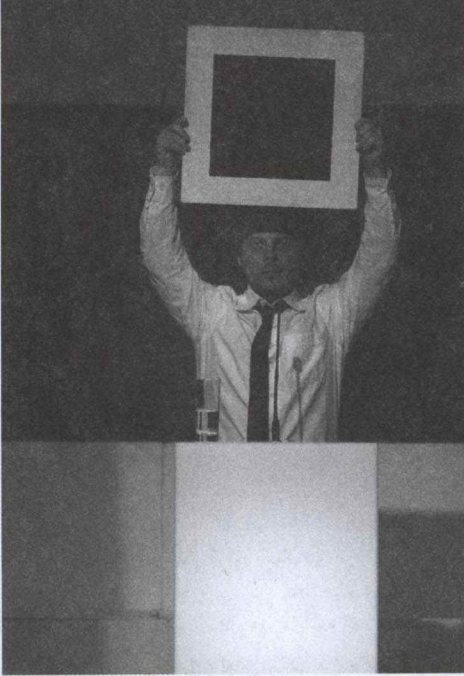
● مشکلاتی که خود گروه ها با شما مطرح می کنند بیشتر چیست؟

ما در واقع گروه ها را راهنمایی می کنیم و مشکلات آنها را به دبیرخانه جشنواره ارجاع می دهیم تا زودتر به جواب برسند. البته این معضل هم فعلاً به شکل تلفنی تا حدودی حل شده است. شماره تلفن هایی در اختیار گروه ها قرار گرفته است که می توانند از طریق آن با ستاد در ارتباط باشند. نکته بعد اینکه اغلب گروه ها تنها در صورتی که به تالارها بروند به نشریه دسترسی دارند، اغلب میهمانان از ما خواسته اند که نشریه را در هتل های محل اقامت هم توزیع کنیم.

نگاهی به نمایش نوک زبان به کارگردانی لوکاس بانگرتز از سوئیس

قدرت‌نمایی مغز انسان

رضا آشفته



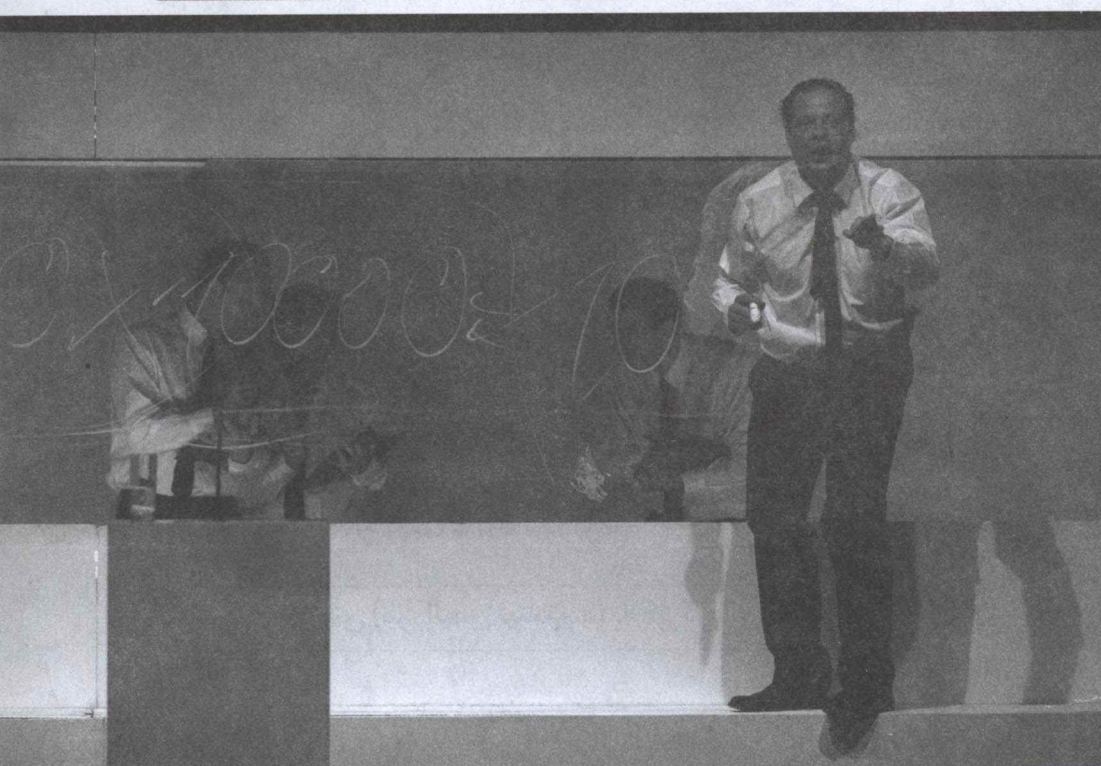
ما همه حتی بعد از برداشتن مجموعه سرمان نتوانسته‌ایم بفهمیم که این من کجاست. بازی جلوه خاصی به صحنه «نوک بازی» بخشیده است و اگر همین هم نباشد، آنچه بیان می‌شود از طراوت باز می‌ماند، اینجا در واقع نکته‌ای به تماشاگر منتقل یا القا نمی‌شود. در شرایط حاضر هر چهار بازیگر نمایش در صحنه حاضر می‌شوند تا دوباره

پنج پایگاه سخنرانی و یک پاراوان و یک اتاقک، همه بضاعت صحنه‌ای نمایش نوک زبان به کارگردانی و نویسندگی لوکاس بانگرتز از کشور سوئیس است. در ابتدا چهار بازیگر به ترتیب وارد صحنه می‌شوند و مدام حرکاتی را تکرار می‌کنند. گوشی چپ را گرفتن با دست راست، برداشتن لیوان و جرعه‌ای آب از آن نوشیدن در آوردن کت و پوشیدن آن، از جمله مواردی است که این بازیگران آن را برای چندبار تکرار می‌کنند. آنقدر این بازی تکرار می‌شود تا توسط یک ماشین کوچک کنترلی پلاکاردی به صحنه آورده می‌شود، با این مضمون که لطفا آرام باشید، هیچ چیزی برای فهمیدن نیست.

سپس نوبت به نشان دادن شکل‌های هندسی - مربع، مثلث، دایره، لوزی و پنج‌ضلعی منظم می‌رسد همه این بازی‌ها برای آن است که ما را در جریان عملیات مغز برای پردازش اعمال و رفتار قرار دهند. گویی این افراد در یک کنفرانس علمی شرکت کرده‌اند و درباره اینکه مغز چقدر توانمندی دارد می‌توانند سخنرانی کنند. همه ما به گونه‌ای دچار این مساله شده‌ایم که گاهی برای بیان یک کلمه دچار مکث و فراموشی می‌شویم. دانشمندانی به این نکته پی برده‌اند که از فاصله زمانی که بین فکر کردن در مورد یک کلمه و به زبان آوردن آن وجود دارد، می‌توان اطلاعات ارزشمندی را در مورد ساختار مغز به دست آورد.

کار گروه سوئیس کاملاً علمی و آموزشی است و نوعی تئاتر تعلیمی است که از زمان پس از جنگ جهانی‌اول، با رهنمودهای پمیسکا تور و بعد برشت آغاز شد، و دیگرانی مانند ماکس فریش، آگستو بوال و داریو فو از آن به‌گونه‌ها و انحای مختلف استفاده کردند. این تئاتر تعلیمی به شیوه‌ای کاملاً علمی و آموزشی برای القای یک مفهوم و پژوهش مشخص علمی کارکردهای زبان و مغز به‌کار گرفته می‌شود. گروه سوئیسی در این‌باره در بروشور کارشان نوشته‌اند گروه پلاسما درست مانند اجرای قبلی خود، نگرش جهان علمی را با سرچشمه‌های تئاتری باز می‌تاباند. گروه پلاسما، به این سوال می‌پردازد که مغز چگونه کار می‌کند. این تلاش برای توصیف چیزی است که قابل توصیف نیست. وضعیتی تراژیک - کمیک است که نمایش نوک زبان گروه پلاسما به آن می‌پردازد. فضای صحنه به اتاق تاریک مغز ما بدل می‌شود و مجموعه از اصوات، کلمات، تصاویر و کنش‌ها در آن روی می‌دهد. دستیاران آزمایشگاه، همچون حیوانات آزمایشگاهی عمل می‌کنند و حافظه و فراموشی آنها مورد سنجش قرار می‌گیرد.

قرون متمادی بشر تلاش کرده تا مغز خود را به‌عنوان مغز اندیشمند و کارکردهای این بازه خاکستری را که قبلاً تصور می‌شد، مربوط به روح غیر مادی است، بشناسد،

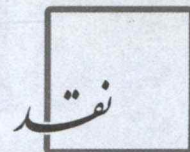


و دراماتوژی نوین تئاتر در جهان امروز می‌کند. این نگاه علمی نشأت گرفته از تفکر انسان تمدن است که دنبال بیان آموزه‌های علمی دانشمندان از طریق تئاتر برای همگان است. اینکه باید علم در خدمت مردم و زندگی باشد و بهترین شیوه‌های آموزشی همین عملیات نمایش است. ضمن اینکه سرگرمی و درام نیز به معنای امروزی آن در صحنه محقق می‌شود. شیوه‌ای کارآمد که در تئاتر ماهنوز تجربه نشده است.

در اجرای «نوک زبان» فقط برای هفت، هشت دقیقه کار از ضرباهنگ می‌افتد و این به دلیل تکراری شدن بازی‌هاست و البته دوباره این ضرباهنگ برقرار می‌شود و اجرا در مسیر ارتباطی با تماشاگران قرار می‌گیرد. این بازگشت با ترانه‌خوانی یکی از بازیگران و جلوه‌های طنز در بازی دیگران صورت می‌گیرد. البته در کلیت اجرا هم این طنز بازیگر است تا تنوعی ایجاد شود و یکدستی و تکرار مانع از ارتباط با مفاهیم کلیدی اجرا با همان مقاله علمی مدنظر شود.

جست‌وجوهای علمی و نتایج حاصل از آن صحبت کنند اما این همه آن بازی است که باید در راستای القای مفاهیم این نمایش باشد. بنابراین یک وضعیت تصنعی برای استدلال پیرامون نتایج و جست‌وجوهای علمی شکل گرفته است و هدف آموزش تماشاگران است. این توانمندی و سنجش حقیقی مغز انسان، او را به سوی خلقت انسان و فرآیند به هیچ پیوستن او ختم می‌شود. فضایی که در آن جزو هیچ نیست و هیچ احساس و کنشی از سوی هیچ موجود زنده‌ای ممکن نخواهد شد. همان هیچ محض، که به زبان علمی و مکاشفه‌شهودی کشف شده است و هر آن ممکن است که موضوع آن نزدیک شویم و شاید میلیون‌ها سال دیگر برای رسیدن به این وضعیت وقت باقی باشد و...

اینکه درام از شکل معمول کناره‌گیری می‌کند، تا در یک شکل و فرآیند امروزی به یک بحث علمی درباره خلقت و وضعیت مغز آدمی با آن همه پیچیدگی و قدرتمندی



ایستاده بر خاکستر مقابر

نگاهی به نمایش «سودالایادی» کاری از «بابک فرج‌پور»

■ هادی جاودانی

هنر نمایش ریشه در آیین‌ها دارد. هر قوم براساس نوع نگرشی که به هستی دارد به‌طور ناخودآگاه در تکامل این هنر دست داشته است. اسطوره‌ها، افسانه‌ها، سنن و... برخاسته از ذهنیت مطلق‌گرای انسان در ادوار اولیه است، امروزه تبدیل به بستر و حرکتی در جهت بازشناخت چیستان‌های ازلی ابدی انسان مدرن شده است. نمایش «سودالایادی» هم وام‌دار این نوع حرکت است. «سودالایادی» در واقع به معنای رقصنده بر خاکستر مقبره‌هاست، راهبی بودایی شبی در حال سوزاندن یک جسد دچار این توهم می‌شود که جسدی که در میان آتش می‌سوزد، در حال رقص است. راهب در این



توهم آنقدر پیش می‌رود که خودش را می‌کشد. موضوع نمایش برخاسته از اسطوره‌ای هندی است. صحنه نمایش به شکل یک کوچه است و نور غالب بر فضا، روشنایی آتش و حرکات آمیخته به رقص است.

فرج‌پور در نمایش ذهنیت خود بر صحنه راه اعتدال را پیش گرفته است. در نمایش او نه از داد و بیداد رایج در تئاتر ایران چیزی دیده می‌شود و نه از حرکات بی‌دلیل که به اسم میزانشن همیشه بر صحنه توجیه شده است. نمایش «سودالایادی» بی‌شک در تسلسل منطقی تمرینات با ذهنیات گروه اجرایی شکل گرفته است و هیچ نوع تعجیل و خودخواهی ذهن کارگردان در آن دیده نمی‌شود. مدت‌زمان کوتاه نمایش هم دلیل دیگری است که مخاطب از بودن در چنین فضایی لذت ببرد. درست در لحظه‌ای که احساس می‌کنید نمایش می‌خواهد از ریتم بیفتد، نور عمومی سالن روشن می‌شود و کار به پایان می‌رسد. تجربه دیدن چنین اثری بیشتر شبیه زندگی کردن در رویایی زودگذر است. همانقدر که کوتاه است، جذاب نیز هست.

در نهایت باید اشاره کرد حضور نمایش‌هایی از این دست که محصول فرهنگ‌های مختلف است (نمایش محصول ایران و هند است) باعث آشنایی و ارتقای سطح فرهنگی ذهنیت و نگرش مخاطبان و علی‌الخصوص هنرمندان عرصه تئاتر کشور خواهد شد.

نگاهی به نمایش (من آلیس نیستم...) به کارگردانی محمد حاتمی

سیدعلی تدین صدوقی عضو کانون ملی منتقدان تئاتر ایران

شاید برخلاف اسم نمایش (من آلیس نیستم ولی اینجا همه چیز عجیب است) ما همه آلیس باشیم. آلیس‌هایی که در سرزمینی به اسم زمین برتاب شده‌ایم. زمینی که علی‌القاعده باید مأمونی برای انسان باشد. در واقع به‌زعم نویسنده نیازی نیست که ما آلیس باشیم تا همه چیز عجیب باشد و یا عجیب به‌نظر برسد، چون اینجا در این سرزمین که نامش «زمین» است، همه چیز عجیب است. برخلاف آلیس چیزهایی که ما در اینجا می‌بینیم و یا بهتر بگویم برسرمان می‌آید دیگر چون سفر آلیس در خیال و فرا واقعیت اتفاق نمی‌افتد، بلکه همه چیز واقعی است. در واقعیت است که انسان محجور می‌شود و می‌ماند، سرخورده می‌شود و انسانیت خود را در یک بی‌هویتی تاریخی از دست می‌دهد. از ابتدای خلقت زمانی که هابیل به‌دست قابیل کشته شد، انسان خویش را در پرتگاه لذت و تاریکی دید. تا آن زمان که بردگان و اسرا در کلزیوم‌ها طعمه شیران و پلنگان می‌شدند تا قرون وسطی که انسان به جای خداوند می‌نشاند و تصمیم می‌گیرد و مجازات می‌کند تا این زمان که جنگ‌ها در می‌گیرد و بمب‌ها برسر کودک و بزرگ فرو می‌ریزند و تنها به‌خاطر آزادی، آزادگی و عدالت انسان‌ها در زندان‌ها شکنجه شده و فسیل می‌شوند تا تبعیض نژادی و گروه‌های نژادپرست تا ظهور دیکتاتورهای ریز و درشت و زندان‌های ابوغریب و

گوانتانامو، تا وقتی سیاستمداران گندم، این هدیه و نعمت خداوندی را به آب می‌ریزند و در سوی دیگر عده کثیری از گرسنگی جان می‌بازند تا جنگ برسرزمین و سوخت و انرژی تا وقتی برای هر چیز بهایی به قیمت جان طلب می‌کنند، تا زمانی که حتی به اسم عدالت و آزادی انسان‌ها را می‌کشند.

و... همه و همه داستان انسان معاصر است انسانی که دارد در یک دور باطل به قهقرا می‌رود و آیا اینها همه عجیب‌تر از سرزمین عجایب آلیس نیست؟

جنبه‌های دراماتیک نمایش در این آشفته‌بازار رنگ می‌بازد و بیشتر به سوی یک وقایع‌نگاری می‌رود. متن با تعدد موضوع روبه‌رو است و شاید همین موجب کمرنگ شدن جنبه‌های درام اثر شده است. نویسنده ناگزیر از زبان حیوانات سخن می‌گوید و به‌نوعی ما واقعیات محترم انسان را از زبان حیوانات می‌شنویم، اتفاقی که در کلیله و دمنه نیز می‌افتد و برعکس این وجهه انسانی انسان است که دیگر چیزی از آن باقی نمانده. آن مردی که روی ویلچر نشسته نماینده تمام انسان‌های گذشته و معاصر است. تمام انسان‌هایی که مورد ظلم و ستم، تجاوز و ویرانگری و... قرار گرفته‌اند. انسان معاصر بهای این همه را با از بین رفتن انسانیتش داده است.

در اجرا کارگردان (محمد حاتمی) سعی کرده است تمام

مسائلی که متن مطرح می‌کند و لایه‌های زیرینی که دارد را به نوعی با بازی بازیگران و نور و صدا به تصویر کشیده و منتقل کند در این میان باید به بازی نسیم ادبی و خسرو محمودی اشاره کرد که توانسته‌اند با تحول در بازی‌هایشان فضای حاکم بر متن و احساس آن انسان درمانده و در حال سقوط را منتقل کنند. علیرضا غفاری در مقام نویسنده سعی کرده متنی بی‌زمان و مکان را ارائه دهد که به نوعی جهان شمول است و موضوعش انسان.

طراحی صحنه و لباس نیز در یک ارتباط تصویری فضا را منتقل کرده و به لحاظ استیک تاثیر نسبی خود را گذاشته و بار معنایی متن را تا حدودی باز می‌نماید، اما باید گفت به‌طور کل متن در بخش‌هایی در خصوص ارتباط با مخاطب قوی عمل نمی‌کند، مخاطب سردرگم است و نمی‌تواند ارتباط منطقی و درستی بین اجزای نمایش (یعنی متن و اجرا) برقرار کند. شاید این از هم گسیختگی ابتدا به متن برگردد. هرچند که کارگردان با حرکات خواسته این ارتباط را ایجاد کند، اما فرم و محتوی در بخش‌هایی از هم فاصله می‌گیرند. نیاز به یک دراماتورژی در کار احساس می‌شود. در نهایت باید گفت شاهد اثر متفاوتی بودیم. به گروه خسته نباشید می‌گویم.



امسال تله تئاتر، نمایش رادیویی و نمایشنامه خوانی در جشنواره دریچه‌ای به خارج از سالن‌های تئاتری

یکی از ویژگی‌های جشنواره بیست و ششم بدون شک پرداختن این رویداد مهم تئاتری به عرصه‌های دیگر هنرهای نمایش است که اگرچه هویتی مستقل دارند اما برخاسته از هنر تئاتر هستند. از آن جمله تله تئاترها هستند که می‌توان آنها را نمایش‌هایی دانست که از طریق مدیوم تلویزیون با مخاطب ارتباط برقرار می‌کنند و نمایش‌های رادیویی که از طریق دیگر رسانه همگانی، یعنی رادیو با مخاطب ارتباط می‌گیرند.

اما در کنار این دو، چند سالی است که نمایشنامه‌خوانی به طور جدی در تئاتر ایران دنبال می‌شود و طرفداران خاص خود را پیدا کرده. پرونده این شماره ما به این عرصه‌ها با توجه به حضور موثرشان در بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر می‌پردازد.

نگاهی به آثار منتخب تولید متون نمایشی و نمایشنامه خوانی بیست و ششمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر و بخش منتخب متون نمایشی و نمایشنامه خوانی

حضور دارد و این مساله زندگی آنها را دچار مشکل کرده است. «زمان که بگذرد»، برشی ۶ ساعته از زندگی یک خانواده است که اعضای آن هر کدام با نوعی رابطه عاطفی درگیرند، نوشته و کار «شکوفه آروین» به مدت ۴۰ دقیقه در کافه تریا اجرا می شود. «هفت پیکر» نوشته و کار محسن خسروی و «هویت پنهان» نوشته و کار «حجت الله کریمی» به ترتیب از کاشان و شمیرانات از دیگر نمایشنامه های بخش نمایشنامه خوانی هستند. هفت پیکر، داستان آخرین شب حیات بهرام است و او حیران و سرگشته منجم را به حضور طلبیده و راز زندگی خود (نقش هفت پیکر) را با او در میان می گذارد، مدت این نمایش ۶۰ دقیقه است. «هویت پنهان» نیز با مایه گرفتن از جنگ جهانی دوم حوادث آن روزگار را در رابطه عاشقانه «گری شپارد» جاسوس انگلیسی و «هلنا» معشوقه سرهنگ آلمانی روایت می کند.

با تاکید بر اشعار رودکی و حوادث آن روزگار است که با نقش خوان های بسیاری از جمله محبوبه بیات، کاظم بلوچی، عاطفه رضوی، فرهاد جم و... به مدت ۱۲۰ دقیقه در کافه تریا تئاتر شهر اجرا شود. «دکتر شماخی»، دانشمند و استاد دانشگاه سابق، به واسطه یکی از دانشجویان دوره دکترای رادیولوژی متوجه آلودگی شیر خشک وارداتی به اشعه رادیواکتیو از منطقه چرنوبیل می شوند. چاپ این مطلب در قالب مقاله برای آنها عواقبی را در پی دارد و... در بخش «نمایشنامه خوانی» می توان به «بیدارشو اما...» نوشته و کار «مهدی افشار قهرمانی» اشاره کرد که روایت گروهی تندرو به نام «جلیل» متشکل از استفان و کاردینال ها است که با هدف پاکسازی دنیا از جرم در زمان «پاپ ژان پل اول» تشکیل می شود. این نمایش به مدت ۷۰ دقیقه در کافه تریا برگزار می شود. «خیال خیس اطلس» نوشته و کار «عبید رستمی» از شهرستان سمنان است به مدت ۳۰ دقیقه داستان از این قرار است که پسر خانواده ای به جبهه رفته و تاکنون برنگشته است. پسر همیشه در خیال مادر

در بخش آثار منتخب تولید متون نمایشی و نمایشنامه خوانی ۸ نمایش برگزیده شده اند. سه نمایش (بازیسازان اندرونی - تراژدی رودکی - ستاره های دارچینی) در بخش متون و ۵ نمایش (بیدار شو اما... - خیال خیس اطلسی - زمان که بگذرد - هفت پیکر - هویت پنهان) در بخش منتخب نمایشنامه خوانی قرار دارند. نمایش «بازیسازان» نوشته و کار، «عارفه عنایتی»، یک درام تاریخی است که در دوره قاجاریه می گذرد؛ محمدشاه قاجار به بیماری نقرس مبتلا شده و طبیبان بهبودی او را غیرممکن اعلام کرده اند. در این بین میان افراد اندرونی بر سر کسب قدرت و تصاحب تخت شاهی درگیری است. این نمایش با نقش خوانی حمید آذرنگ، پرستو گلستانی، آذر خوارزمی و... به مدت ۱۲۰ دقیقه اجرا می شود. از دیگر نمایش های برگزیده متون نمایشی، می توان به «تراژدی رودکی» نوشته و کار «محمد ابراهیمیان» و «ستاره های دارچینی» نوشته و کار «رضا شیرمرز» اشاره کرد. تراژدی رودکی، نمایش زندگی رودکی در بستر تاریخ پرتلاطم سامانیان...

نمایشنامه خوانی عرصه ای برای محک اجرا

هنر است الزام روبرویی پدیده نمایشنامه خوانی با مشارکت تقدیم تماشاگران است. نمایش نامه خوانی در ایران اگر چه در سال های اخیر بسیار مورد توجه اهالی تئاتر قرار گرفته و حتی بسیاری از کارگردانان نام آور نیز ترجیح داده اند که با این شیوه با مخاطبان خود ارتباط برقرار کنند، اما به علت جوان بودن و نداشتن تجربه و ضعف بسیاری است مثل این نکته که مخاطب نمایشنامه خوانی ها فقط از طریق حس شنیداری با کار ارتباط

در تعریفی ساده از نمایش نامه خوانی باید آن را خوانشی صحیح از یک نمایشنامه در حضور مخاطب، توسط بازیگران و با هدایت کارگردان دانست که بدون استفاده از امکانات و تمهیدات اجرای نمایش صورت می گیرد. این شکل تئاتری به هیچ وجه اجرای کامل یک نمایشنامه نیست و البته خوانش خام نمایشنامه نیز قلمداد نمی شود و در واقع خود، صورت متفاوتی از اجرای نمایش است که به شکل خوانش درست نمایشنامه به اجرا در می آید و قابلیت های اجرایی آن را محک می زند یا بر خورد تماشاگران را با نمایشنامه می سنجد و دور یک میر مقابل تماشاگران در هر سالی می تواند قابل ارائه باشد.

دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی، نمایشنامه خوانی را برابر با واژه «درامالوگ» (Dramalogue) دانسته و به فرهنگ بزرگ وستر اشاره می کند که در آن این اصطلاح چنین تعریف شده است: «خواندن نمایشنامه ای برای دریافتگری تماشاگر» و می توان در همین راستا به اصطلاحات دیگری چون نمایشی خوانی (Dramatic Reading)، نمایش خوانی، نمایشنامه، خواندن نمایشنامه، نمایشنامه خوانی، خواندن نمایشنامه برای همگان (PUBLIC PLAY-READING) و خواندن نوشتارهای تئاترکافی اشاره کرد.

او همچنین به این مساله اشاره دارد که نمایش نامه خوانی را می توان ریحاری از هنر نمایش دانست که پدیده ای خود بسته و خود فرجام است. این پدیده هنری نیز به مانند پدیده های هنری دیگر، برای تازه جویی، نوآوری و طرفه کاری، زمینه و گستره دارد و از توان ها و گنجایش های بایسته برخوردار است و بر همین بنیادها، نقدپذیر.

در حقیقت به اعتقاد دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی، نمایشنامه خوانی به عنوان یک هنر مستقل اشکال متعددی دارد، ولی آنچه که جزو ویژگی های اصلی این

آسیب شناسی نمایشنامه خوانی با حضور محمد یعقوبی، عباس اقسامی و رضا آشفته

حرکت روی لبه تیغ

اقسامی: ما در حوزه متن، بازیگری و کارگردانی می‌توانیم با این جریان، استعدادها را بشناسیم. در دوره اول نمایشنامه‌خوانی ابتدا حرفه‌ای‌ها حضور پررنگ‌تری داشتند. در دوره بعد ترکیبی از حرفه‌ای‌ها و دانشجویها آمدند و این جریان پیوندی بین این دو قشر به وجود آورد.

■ تا چه حد تاکید داشتید که متون این عرصه،

نوشته خود دانشجویها باشد؟

اقسامی: یکی از اولویت‌های ما در این بخش متون دست‌نویس خود دانشجویها بود. برای ما مهم این بود آثاری خوانده شوند که تا به حال امکان عرضه نداشته‌اند. نگاه کلی ما یکی ارائه آثار نو و بعد از آن ارائه آثار بزرگان این عرصه در حیطه نمایشنامه‌های ایرانی مثل نمایشنامه‌های نعلبندیان، بیضایی و... بود.

■ آقای یعقوبی درباره تجربه‌تان در زمینه

نمایشنامه‌خوانی بگویید؟

یعقوبی: پیشاپیش بگویم، من خودم به عنوان مخاطب هیچ‌وقت از شنیدن یک نمایشنامه لذت نبرده‌ام. این مشکل از من است که نمی‌توانم به این شیوه روی یک اثر تمرکز کنم. به همین خاطر در هر دو باری که نمایشنامه‌خوانی کردم، صرفاً به خاطر دفاع از اثرم بود، چراکه متنم رد شده بود. اما موقعی که در مقام مولف و کارگردان در یک نمایشنامه‌خوانی حضور یافتم به درک و

نمایشنامه‌خوانی برپا کرد که چند دوره ادامه یافت. بعد از آن انتشارات اندیشه‌سازان در راستای تبلیغ برای فروش کتاب‌های آموزشی‌اش برنامه نمایشنامه‌خوانی به راه انداخت. این حرکت در تالار مولوی نیز این ادامه یافت و فکر کنم هم‌اکنون تالار مولوی تنها مکانی است که به‌طور مستمر این جریان‌زایی‌گیری می‌کند.

ضرورت و موضوع اصلی این بود که اهالی تئاتر، نمایشنامه‌های خوب یا نمایشنامه‌نویسان جوان را از این طریق بشناسند. قضیه دیگر بحث امکانات بود؛ زیرا مرکز هنرهای نمایشی نمی‌توانست تمام جوانان را تحت پوشش خود قرار دهد، پس عنصر نمایشنامه‌خوانی می‌توانست این نگاه و توجه را ایجاد کند.

■ به نظر شما نمایشنامه‌خوانی در تالاری چون مولوی تا چه حد می‌تواند در بازایی استعدادهای دانشجویان عرصه تئاتر موثر باشد؟

نمایشنامه‌خوانی در سال‌های اخیر با برپایی برنامه «عصری با نمایش» در مجموعه تئاتر شهر باردیگر جانی تازه به خود گرفته است. گرچه به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران این مقوله به شکل‌های متفاوتی در سال‌های دورتر برگزار می‌شد.

به‌هرحال گسترش مقوله نمایشنامه‌خوانی و پیدایش جشنواره‌های متعدد در این حوزه باعث شد در جشنواره امسال نیز بخش جداگانه‌ای برای نمایشنامه‌خوانی در نظر گرفته شود.

میزگرد حاضر با حضور محمد یعقوبی (نویسنده و کارگردان)، عباس اقسامی (نویسنده و کارگردان و دبیر اجرایی سومین دوره نمایشنامه‌خوانی مولوی) و رضا آشفته (منتقد و روزنامه‌نگار) برگزار شد، در این میزگرد سعی شده‌است در عین حال که به ضرورت نمایشنامه‌خوانی و شیوه‌های اجرایی پرداخته می‌شود گریزی نیز به آسیب‌شناسی این حوزه زده شود.

■ به‌عنوان اولین سوال ضرورت نمایشنامه‌خوانی

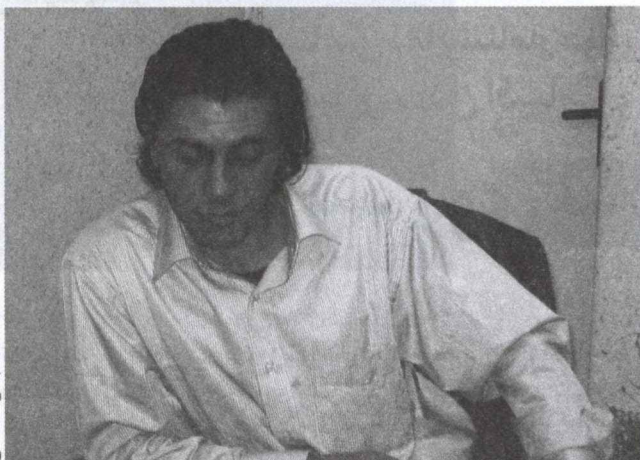
در ایران از چه زمانی احساس شد؟

آشفته: عمده‌ترین مسأله‌ای که باعث شد نمایشنامه‌خوانی در ایران شکل منسجمی به خود بگیرد، در ابتدا مسأله فعال‌تر شدن تئاتر بود و محدودیت سالن‌ها و اینکه تعداد متقاضیان بیش از تعداد ظرفیت سالن‌ها بود. در نهایت این اتفاق جریان نمایشنامه‌خوانی را به وجود آورد. آغاز این حرکت با جلسات نمایشنامه‌خوانی «بابک محمدی» در فرهنگسرای نیاوران شروع شد، البته هدف او این نبود که جریان‌سازی کند، در ابتدا او می‌خواست برخی از نمایشنامه‌هایی را که در اتریش نوشته بود، نمایشنامه‌خوانی کند و بازخورد این نمایشنامه‌ها را ببیند.

همان‌موقع این نمایشنامه‌خوانی‌ها بازخورد خوبی در مطبوعات داشت و نقد و نظرهای مختلفی به‌راه انداخت. همه این عوامل دست در دست هم داد تا جریانی به نام نمایشنامه‌خوانی با ضرورت‌های خاص خود شکل بگیرد. به مرور هم جریان نمایشنامه‌خوانی شاخه‌ها و زیرمجموعه‌هایی به خود گرفت.

در ادامه گروه‌هایی با تفکرات خاص نمایشنامه‌خوانی‌هایی را به راه انداختند. از جمله «آرش آبسالان» در کافه‌تریای تئاتر شهر جلسات





پیش آمده است. این یک نوع جمع‌خوانی است و بی‌شک حرکت فرهنگی موثری است.

پس این هم نوعی ضرورت نمایشنامه‌خوانی به حساب می‌آید که امیدوارم بیش از پیش به آن توجه شود.

نمایشنامه‌خوانی امری امکان‌پذیر است. وقتی ما صحبت از تئاتر می‌کنیم، مواعی چون امکانات و سالن آن را محدود می‌کند، ولی در مورد نمایشنامه‌خوانی این محدودیت‌ها کمتر لحاظ

می‌شود. نمایشنامه‌خوانی امری شدنی است اما نباید مبدل به امری رایگان شود.

آشفته: اگر قرار باشد نمایشنامه‌خوانی شکل حرفه‌ای خود را دنبال کند، بی‌شک بحث مالی هم در این میان پیش می‌آید. ببینید به‌طور مثال قرار است متن یکی از نمایشنامه‌نویسان مطرح ایرانی نمایشنامه‌خوانی شود. بی‌شک باید کارگردان و گروهی حرفه‌ای برای خواندن این نمایشنامه دور هم جمع شوند. این گردهمایی به‌خاطر آن است که مخاطب بتواند عمق اثر را در یک خوانش در حد نیاز بفهمد. با یک گروه آماتور این اتفاق رخ نمی‌دهد.

حالا اگر قرار است گروه حرفه‌ای برای این نوع نمایشنامه‌خوانی دعوت شوند نیاز به هزینه است. در چنین وضعیتی می‌بایست بحث مالی را جدی گرفت و از آن به‌عنوان عنصری جهت رغبت گروه‌های حرفه‌ای در بازخوانی متون کلاسیک یا مدرن و مشهور ایرانی کمک گرفت.

اقسامی: البته نباید به تامین گروه‌های نمایشنامه‌خوانی به‌طور مداوم فکر کرد، چون اگر به این منوال پیش برویم مطمئناً برخی حرکت‌ها درجا می‌زند.

نمایشنامه‌خوانی حرکتی به سوی مطرح کردن جوانان گمنام عرصه نوشتن است. صرف تفکر مالی ممکن است خللی در این کار ایجاد کند. بهتر آن است که حرکت را ادامه دهیم و در صورتی که زمینه برای اجرای عمومی و تامین هزینه‌ها مهیا شد از آن بهره ببریم. والا رشد قابل‌توجهی چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی در این زمینه نخواهیم داشت.

یعقوبی: من هم فکر می‌کنم مهمترین مشکل مساله مالی است. چرا در این باره حرف نزنیم؟ یک نوع تفکر در محیط‌های فرهنگی ما بوده و هست. بدین معنا که وقتی یک نمایشنامه خوانده می‌شود برای گروه بس است و زیاده از آن خواستن، درست نیست.

به‌نظر من این درست نیست. باید در این زمینه

بازخورد مخاطب فکر می‌کردم. این اتفاق در حیطه کارگردانی جالب و از نظر سنجش اثرم برای خودم خوب بود.

به‌نظرم در نمایشنامه‌خوانی بیش از مخاطب، خود خالق اثر است که لذت می‌برد. نمایشنامه‌خوانی اساساً حرکت اثر با مخاطبان خاص خودش است. مهمترین ضرورت نمایشنامه‌خوانی این است که یک حرکت فرهنگی قلمداد می‌شود و این یکی از ضرورت‌های جامعه ماست.

می‌خواهم به یک موضوع دیگر هم اشاره کنم. سیاست‌گذاری‌های خاص در زمینه نمایشنامه‌خوانی اشتباه است. اگر مساله را بدون این موارد مطرح کنیم ماجرا طور دیگری می‌شود. مثلاً یک جوان فراخوانی را می‌بیند. به دلیل علاقه‌اش به هنر تئاتر می‌رود و چند نمایشنامه می‌خواند. در اینجا ممکن است به سمت نگارش نمایشنامه برود و شاید هم

نرود، ولی همین

مهم‌ترین اتفاق

برای یک دانشجو

یا علاقه‌مند

به مقوله تئاتر

است. نمایشنامه

خواندن و دست

به قلم شدن. البته

باید بگویم لزومی

ندارد هرکس

که نمایشنامه

می‌خواند،

نمایشنامه هم

بنویسد، حرکت

نمایشنامه‌خوانی

می‌تواند عده

زیادی را با

خواندن نمایشنامه

آشتی بدهد. جدا

از این مساله

وقتی فراخوان

می‌دهیم که فلان تعداد اثر برای این دوره از

نمایشنامه‌خوانی انتخاب خواهد شد، فکر نمی‌کنم

بتوان ۳۰ اثر قابل قبول و متنوع در طی این مدت

آماده‌فراهم کرد.

علت این موضوع آن است که برخی افراد از

خواندن نمایشنامه لذت می‌برند و دوست دارند

که این نمایشنامه را برای عده‌ای دیگر بخوانند.

نمایشنامه‌خوانی باید با حذف برخی خط‌کشی‌ها به

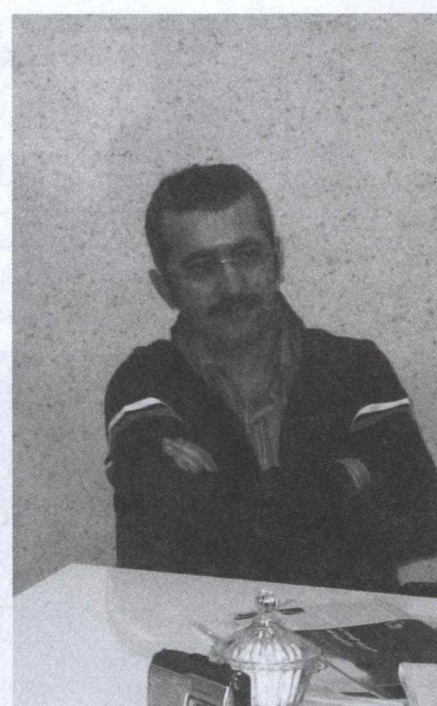
این دسته اجازه دهد به خوانش اثر مورد علاقه‌شان

بپردازند شاید همین حرکت باعث رشد مضمون

فرهنگی نمایشنامه‌خوانی بشود.

این یعنی لذت خود را با دیگران شریک شدن

و حرکتی که بشر از ازل با خود داشته و با آن



محمد یعقوبی

هزینه کرد. باید پول پرداخت. باید آثار دست‌نویس را چاپ کرد. باید اجرای عمومی برای آنها در نظر گرفت. نمایشنامه‌خوانی باید چنین سرانجامی داشته باشد. اگر هزینه بشود، آن‌وقت گروه نمایشنامه‌خوانان ترکیبی از حرفه‌ای‌ها و دانشجویان خواهد بود. آن‌وقت حرفه‌ای‌ها رغبت می‌کنند یا به این عرصه بگذارند و تجربه خود را به دانشجویان نیز منتقل کنند. البته عنصر مالی در این میان دخالت بسیار زیادی دارد و چیز کمی نیست.

اگر قرار است هدف نمایشنامه‌خوانی دفاع از حیثیت هنرمندی باشد که اثرش مورد قبول قرار نگرفته، باید دفاع درستی صورت بگیرد.

نمایشنامه‌خوانی مبتنی بر بیان است و اگر کسی نمایشنامه و کلمات آن را بد بخواند مساله نمایشنامه‌خوانی زیر سوال می‌رود. تا زمانی که حرفه‌ای‌ها به‌طور جدی و با رغبت یا به این عرصه نگذارند سرعت کیفی نمایشنامه‌خوانی زیاد نخواهد بود و با مشکلات عدیده‌ای درگیر خواهیم بود.

من نمی‌خواهم ذوق و کوشش دانشجویان را در این میان نادیده بگیرم اما هنر در عین برخوردار از عنصر ذوق به بخش‌بندی آکادمیک نیز نیاز دارد. یعنی حرفه‌ای‌ها که پیش‌تر خود دانشجو بوده‌اند حالا به مرزی رسیده‌اند که با بهره‌گیری از تجربه و توان هنری توانسته‌اند در حرفه خود مشهور شوند. پس حرفه‌ای‌ها را جدا از دانشجویان تافته و جدابافته نمی‌دانم.

در کنار هم قرار گرفتن این دو با رعایت تبحر و تجربه و در عین حال شوق برای ایجاد تبادل اطلاعات و یادگیری باعث می‌شود چرخه نمایشنامه‌خوانی سلامت بماند.

این اتفاق زمانی رخ خواهد داد که هزینه مالی دغدغه یک حرفه‌ای نباشد (نه آنکه حرفه‌ای تمایلی به این کار ندارد) باید بدانیم یک حرفه‌ای از طریق هنر خود امرار معاش می‌کند و کمتر می‌تواند خطر وارد شدن در چنین جایی را بپذیرد. با این حال شاهدیم که برخی از حرفه‌ای‌ها این کار را می‌کنند که قابل تقدیر است اما این نباید اصل مدنظرمان را

کارنامه
میرزا



تحت الشعاع خود قرار دهد.

■ راه حل دیگری جز این وجود ندارد؟

یعقوبی: اگر مرکز هنرهای نمایشی با یک گروه یا چند گروه حرفه‌ای به‌طور سالیانه قرارداد ببندد و این گروه‌ها موظف باشند که در امر نمایشنامه‌خوانی شرکت داشته باشند، آنوقت این گروه‌ها می‌توانند به دانشجویانی که اثری نگاشته‌اند، بگویند ما می‌توانیم بهترین آثار دانشجویی را به شکل نمایشنامه‌خوانی معرفی کنیم.

این گروه‌ها چون از طرف مرکز یا هر جای دیگر تامین مالی هستند، حالا با فراق بال و لذت و شوق می‌آیند و به‌طور مستمر آثار خوب و زیبایی را نمایشنامه‌خوانی می‌کنند. اگر این اتفاق رخ دهد حرکت فرهنگی نمایشنامه‌خوانی موفق‌تر خواهد بود.

این حرکت باعث جهت‌سازی در این زمینه و بر کیفیت آثار نیز تاثیر خواهد گذاشت، زیرا نویسندگان جوان به‌خاطر آنکه متن‌شان توسط گروهی حرفه‌ای خوانده شود، به پرداخت دقیق‌تر اثر خود می‌پردازند و همین باعث می‌شود آنها در زمینه کاری خود درست و دقیق‌تر عمل کنند.

صرف شرکت دادن یکسری متون در عرصه نمایشنامه‌خوانی نمی‌تواند عنصر کیفیت را تحت الشعاع قرار دهد. حرکت اولیه حرکت خوبی است اما در ادامه باید (و به نظر من می‌بایست) به چنین ترکیبی نزدیک شد.

آشفته: به نظر من نمایشنامه‌خوانی در معنای وسیع آن ممکن است به نفع تاثیر نباشد. اگر گروه‌ها به این شکل خلاقیت هنری خود را ارضا کنند، مساله مهمی چون اجرا زیر سوال می‌رود. همه ما می‌دانیم که مهمترین اتفاق تئاتر، خود اجراست. باید به این مساله نیز توجه کرد.

برخی گروه‌ها در دوره‌های نمایشنامه‌خوانی متاسفانه شکل خوانش را با استفاده از میزانشن و نور و موسیقی پیش می‌برند. این به نمایشنامه‌خوانی ضربه می‌زند. مهمترین دلیل نمایشنامه‌خوانی معرفی یک اثر است.

برخی گروه‌های حرفه‌ای که اثرشان در مرحله ورود به جشنواره رد شده به خواندن اثر خود در برنامه نمایشنامه‌خوانی می‌پردازند. متاسفانه این گروه‌ها بیش از آنکه اثر خود را در حیطه نمایشنامه‌خوانی نگه دارند و به مخاطب بشناسانند، اثر را به سمت اجرایی شدن می‌برند.

پیش از این هم به عناصری چون نور و رنگ اشاره کردم و باز تاکید می‌کنم که این گروه‌ها در پی اجرایی کردن اثر خود، پیکره و اصول نمایشنامه‌خوانی را خدشه‌دار می‌کنند و این یکی از آسیب‌های مهم این حوزه است که باید به آن دقت ویژه‌ای داشت.

■ بزرگترین خطر در این عرصه در چه مواردی اتفاق می‌افتد؟

اقسامی: بزرگترین خطر در این عرصه زمانی روی می‌دهد که ما به عنوان عوامل یک گروه اجرایی با خوانش نمایشنامه موردنظرمان ارضا شویم و در پی مساله‌ای چون اجرا نباشیم. اصولا وقتی چنین دیدگاهی رایج شود، نمایشنامه‌خوانی کارکرد خود را از دست می‌دهد و به ضد خود تبدیل می‌شود. یک گروه تئاتری که به خواندن یک نمایشنامه می‌پردازند باید همیشه در پس ذهن خود این نکته را به‌خاطر داشته باشند که تئاتر با اجرا معنا می‌شود و اگر با خواندن نمایشنامه علت ارتباط یک گروه با مقوله تئاتر قطع شود و یا به پایان برسد خود تئاتر نیز دچار آسیب خواهد شد.

درست است که کمبود امکانات در بحث اجرا سطح توقع گروه‌های تئاتری را کم کرده است و آنها به خواندن نمایشنامه رضایت داده‌اند اما باید این نکته را به یاد داشته باشند که مجموعه عوامل اجرایی هنر تئاتر برای علتی دیگر ایجاد و سازماندهی شده‌اند.

یعقوبی: اگر بخواهم از نقطه‌نظر مخاطب به این مساله نگاه کنم باید بگویم اساسا نمایشنامه‌خوانی نمی‌تواند عطش تماشاگر را برطرف کند، علت در این است که نیاز مخاطب بسیار متنوع‌تر است و به شنیدن یک نمایشنامه محدود نمی‌شود.

فکر می‌کنم هرچیزی براساس نیازش به‌وجود می‌آید، نیاز نمایشنامه‌خوانی مخاطبان خود را با خود می‌آورد و نیاز اجرا را به‌دنبال خود می‌آورد. گمان نمی‌کنم مخاطب آنقدر تحت تاثیر قرار گیرد که فراموش کند نمایشنامه‌خوانی مقدمه‌ای بر اجراست نه عنصر غالب بر آن.

ضربه‌ای که به نمایشنامه‌خوانی وارد می‌شود شاید فقط از طرف مدیران باشد و آن اینکه دوستان مدیر

به این نتیجه برسند که آمار نمایشنامه‌های خوانده شده به حدی است که خود آنها را ارضا کرده و به همین ترتیب از پی‌گیری و دادن امتیاز به این عرصه برای آینده خودداری کنند.

اما من در یک مورد با نظر دوستان موافق نیستم و آن هم اینکه دوستان می‌گویند برخی گروه‌های حرفه‌ای با استفاده از میزانشن، نور و موسیقی به بدنه نمایشنامه‌خوانی آسیب وارد کرده‌اند. سوال من این است، حدود نمایشنامه‌خوانی چیست؟ به‌نظرم این ما هستیم که قوانین را می‌گذاریم و سعی می‌کنیم که نمایشنامه‌خوانی را محدود کنیم. باید تا آنجا که می‌توانیم از محدود کردن نمایشنامه‌خوانی و بستن آن در یکسری چهارچوب‌های خاص خودداری کنیم. اگر یک گروه احساس می‌کند در حین خوانش یک نمایشنامه دوست دارند پنج دقیقه از نمایشنامه مربوطه را از حفظ بگویند و به متن زیردستان نگاه نکنند، خوب است این کار را بکنند. البته باید این اتفاق در راستای زیبایی‌شناسی اثر مربوطه باشد.

آشفته: به نظر من نمایشنامه‌خوانی بیش از آنکه حرکتی باشد در جهت ترغیب مخاطب عام به سمت روبه‌رو شدن و پیوند با هنر تئاتر، حرکتی است برای مخاطب خاص که گروه‌های تئاتری دریافت‌ها و تجربه‌های تازه‌تری را درک کنند.

■ هم‌اکنون نمایشنامه‌خوانی در چه وضعیتی است؟
آشفته: بسته به شرایط جامعه، شرایط تئاتر و علی‌الخصوص نمایشنامه‌خوانی، تغییر می‌کند. هرچه مسوولان به این قضیه بها بدهند، بی‌شک این عرصه گسترش خواهد یافت و بهتر خواهد شد، در غیراین‌صورت شاهد رکود در این زمینه خواهیم بود.

اقسامی: نشر و چاپ آثار خوانده شده در عرصه نمایشنامه‌خوانی می‌تواند راه مناسبی در جهت گسترش این عرصه سازنده باشد. این اتفاق می‌تواند ما را به شرایط ایده‌آل نزدیک‌تر کند.

ایده‌آل را به شکل دیگری نیز می‌شود تعریف کرد. اینکه ما عده‌ای از هنرمندان را از طریق این عرصه به بازار کار معرفی کنیم تا آنها بتوانند به راه خود در این زمینه ادامه دهند و پیش بروند.

■ به‌عنوان سوال آخر، حضور بخش نمایشنامه‌خوانی در این دوره جشنواره فجر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟!

یعقوبی: به‌نظرم حرکت عاقلانه‌ای است که آثاری از بخش نمایشنامه‌خوانی در جشنواره حضور داشته باشند. این حرکت باعث می‌شود عده زیادی از دانشجویان و آنهایی که استعداد نوشتن دارند به افق‌های بازتری نگاه کنند. ولی باز سر حرف خود هستم و گمان می‌کنم بهره‌بردن از گروه‌های حرفه‌ای برای خوانش آثار نمایشی دانشجویان می‌تواند این عرصه را پرتوان‌تر از گذشته در پیکره تئاتر نشان دهد.

نادر برهانی مرنند، دبیر بخش تله تئاتر و نمایش های رادیویی بیست و هشتمین جشنواره تئاتر فجر

روزنه های به ظاهر کوچک ولی در باطن بزرگ



● لزوم افزودن بخش تله تئاتر و تئاتر رادیویی به جشنواره بین المللی تئاتر فجر چه بود؟

لزوم حضور این بخش را از ابعاد مختلف باید بررسی کنیم. واقعیت این است که آقای سرسنگی به عنوان دبیر جشنواره، در گنجاندن این بخش در جشنواره تئاتر فجر امسال، چند هدف را دنبال می کردند که من هم با بخشی از آنها بسیار موافقم. اساساً هنر تئاتر در ارتباط با رسانه معظمی مثل صداوسیما که مخاطب وسیع تری نسبت به تئاتر دارد، نتوانسته به یک رابطه ارگانیک دوطرفه، مهربان و تاثیرگذار دست پیدا کند. متأسفانه سیاست های فرهنگی در کشور ما با توجه به تعدد مراکز فرهنگی، نقاط اشتراک کمی دارند. به همین دلیل، در تئاتر، یک نمایش به راحتی می تواند به

نمایش در بیاید اما از تلویزیون غیرقابل پخش است، یا برعکس. این امر اصلاً زیبنده جامعه فرهنگ سالار ما نیست که تماشاگر تئاتر، نتواند همان نمایش را در قالب تلویزیون ببیند. این خلأ باید آسیب شناسی شود و گنجاندن این بخش در جشنواره تئاتر فجر به نوعی پر کردن حفره هایی از این دست است. هرچند این بحث بسیار آرمانی و شعاری است که بگوییم با همین بخش کوچک تله تئاتر و تئاتر رادیویی در مجموعه جشنواره تئاتر فجر به این موفقیت نائل می آییم.

البته من معتقدم که از دل این اتفاق مبارک، حتی اگر به تعامل و دیدار دو مدیر صداوسیما و مدیر تئاتر و تعامل آنها در باب تئاتر برسیم، موفقیت لازم به دست آمده است. اتفاقی که هرگز بین صداوسیما و تئاتر روی نداده است و همیشه یا موازی و یا بی خبر از هم عمل کرده اند. خوشبختانه تا اینجا موفق شده ایم. در سمینار «تئاتر و رسانه» من خیلی خوشحال شدم که دکتر خجسته، معاون محترم صدای سازمان صدا و سیما، درباره تئاتر و دریاب منزلت اندیشه در تئاتر، سخن گفتند. این اتفاق مهمی است. شاید به همین دلیل است که ما می بینیم در رادیو نسبت به تلویزیون، بیشتر به تئاتر پرداخته می شود؛ یا دکتر پورحسین (مدیر شبکه ۴ سیما) در این سمینار درباره تبادل تئاتر صحنه با قاب تلویزیون صحبت می کنند. به همین دلیل است که در شبکه چهار می بینیم با تئاتر ارتباط بهتری برقرار شده است. اگر بتوانیم جلسه ای ترتیب دهیم که مسئولان تئاتر با مهندس ضرغامی درباره تئاتر به گفت و گو بنشینند و در این حوزه وقت بگذارند، به نتیجه رسیده ایم. چراکه تئاتر همیشه مغفول واقع شده است. مسئولان همیشه در سخنرانی ها درباره هنرهای موسیقی و سینما و غیره حرف می زنند و متأسفانه تئاتر همیشه جزو آن غیره است. در تئاتر حالی که مادر همه این هنرهاست و ضرورت فرهنگی تئاتر بیشتر از رشته های هنری دیگر است. در بخش تله تئاتر و تئاتر رادیویی ما دنبال چنین روزنه های به ظاهر کوچک ولی در باطن بزرگ هستیم.

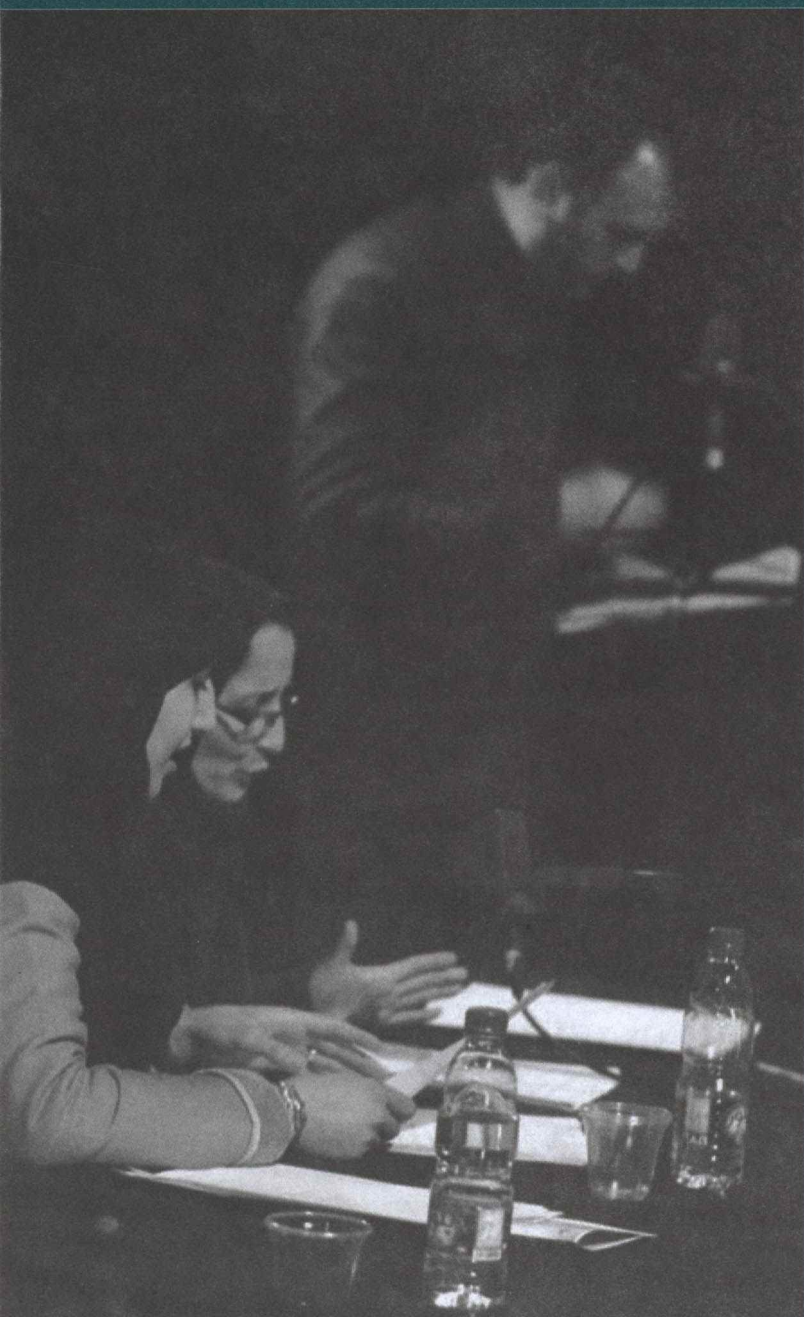
ضمن اینکه بخش معظمی مثل نمایش رادیویی بسیار قابل احترام است. بخشی که برخلاف نظر عامه به اعتقاد من خیلی حرفه ای تر از نمایش های دیگر عمل می کند. من مدعی ام تئاتر رادیویی هم در برنامه ریزی ها و بودجه گذاری ها و هم در ارضاء مخاطبش بسیار حرفه ای است. در نتیجه این ادعا را نمی پذیرم که جشنواره تئاتر به رادیو بها داده است، بلکه این نمایش رادیویی است که با حضور خود به جشنواره تئاتر فجر جلوه دیگری داده است، چراکه بخش اعظمی از مخاطبان خود را به سالن های تئاتر خواهد

تله تئاتر و نمایش های رادیویی یکی از بخش های بیست و هشتمین جشنواره تئاتر فجر است. این بخش با دبیری نادر برهانی مرنند، کارگردان تئاتر اولین سال برگزاری خود را پشت سر می گذارد. به گفته برهانی مرنند، تله تئاتر و نمایش های رادیویی در راستای شعار «تئاتر برای همه» و برای پر کردن فاصله ای است که میان رسانه صداوسیما و تئاتر افتاده است.

● آقای برهانی مرنند، محور گفت و گوی ما درباره بخش تله تئاتر و تئاتر های رادیویی است، اما در آغاز گستردگی جشنواره بین المللی تئاتر فجر امسال و افزوده شدن بخش های جدید به این جشنواره را چگونه ارزیابی می کنید؟

اگر این گستردگی به رشد کیفیت هم بینجامد، نتیجه کار خوب است، اما اگر فقط عرض جشنواره زیاد شده باشد، بدون اینکه در کیفیت تغییراتی ایجاد شود، فرق زیادی در اصل ماجرا به وجود نمی آید. تا آنجایی که من در جریان جزییات جشنواره بوده ام، این کیفیت، در انتخاب و گزینش آثار بوده است. به همین دلیل هم امسال حاشیه های تندی برای جشنواره وجود داشت؛ چون گروه های انتخاب کننده سعی داشتند بیشتر از نام ها و اسامی آشنا، کیفیت آثار را در نظر بگیرند.

● در مورد تئاتر های رادیویی و تله تئاترها هم انتخاب به همین صورت بوده است؟ امسال برای اولین بار حضور این بخش را شاهدیم، به همین خاطر خودمان هم در فضای مهمی گام برمی داشتیم، چراکه با تناسب جشنواره تئاتر فجر و رادیو و تلویزیون خیلی آشنا نبودیم و گام به گام این تناسب را کشف می کردیم؛ به هر حال هیچ اساسنامه و پیشینه ای در این رابطه وجود نداشت. ضمن اینکه قانونمندی های رادیو و تلویزیون خیلی با شرایط جشنواره تئاتر فجر مطابق نیست. ایجاد این هماهنگی ها کمی سخت بود، اما سعی کردیم در اینجا هم کیفیت را قربانی چیز دیگری نکنیم؛ به همین خاطر از نظر کیفی به شدت مدافع کارهای انتخاب شده هستیم و امیدوارم در هیاهوی جشنواره گم نشوند.



کشاند، مخاطبانی که از افشار مختلف جامعه هستند و هیچ وقت به دیدن تئاتر نمی روند به خاطر اینکه بیشتر افراد فکر می کنند تئاتر مخاطبان خاص خود را دارد. دکتر حسن خجسته، معاون محترم صدا دیر باخبر شدند و اظهار تأسف کردند و قول دادند که اگر سال بعد هم این بخش در جشنواره برگزار شود، خود رادیو متولی این ماجرا شود و بسیار باشکوه تر، اساسی تر و با امکانات مفصل تر آن را برگزار کنند.

● امسال چه نهادهایی از این بخش تازه وارد جشنواره حمایت کرده اند؟

سازمان صداوسیما به طور ویژه کمک کرده است. دو شبکه رادیویی جوان و رادیو گفت و گو و شبکه چهار سیما هم پوشش خبری می دهند و به احترام حضور این بخش در جشنواره، برخی از تله تئاترها را پخش می کنند. ضمن اینکه قرار است نمایش «هملت» نیز که قرار است به صورت رادیویی اجرا می شود به صورت زنده از رادیو جوان پخش شود. دوستان شبکه چهار هم اعلام کرده اند این نمایش تصویری هم خواهد شد، اما در کل برای خود من هم مبهم است که چقدر موفق خواهیم شد و چقدر این بخش برای مخاطب جذاب خواهد بود.

● آیا این بخش در جشنواره تئاتر فجر آسیب شناسی خواهد شد؟

مادر اوایل دی ماه سمیناری با عنوان «تئاتر و رسانه» برگزار کردیم که در آن به تفصیل به تله تئاتر و همچنین آسیب شناسی آن پرداخته شد. امیدواریم تمام این سخنرانی ها را اواخر اردیبهشت در کتابی منتشر کنیم. تا آنجایی که من اطلاع دارم، مدیریت شبکه چهار با حساسیت زیادی مسأله تله تئاتر را دنبال می کنند، اما فکر نمی کنم این جشنواره بتواند همه آسیب های حوزه تئاتر را جبران کند، ضمن اینکه بحث ما در بخش تله تئاتر و نمایش رادیویی در جشنواره فجر، آسیب شناسی نبوده است. خود صداوسیما حتما برنامه هایی برای ساماندهی اوضاع تله تئاتر دارد. عقیده شخصی من بر این است که تله تئاتر با فراز و فرودهایی در حوزه تلویزیون روبه رو بوده است و مثل خیلی از برنامه های دیگر هنوز نتوانسته مخاطب خود را پیدا کند. شاید دلیل آن کم سلیقه گی مسئولان باشد که بدون نیازسنجی مخاطب دست به تولید آثار می زنند، بخشی از این آسیب هم برمی گردد به عدم شناخت بعضی مسئولان وقت از مقوله ای به نام تله تئاتر. در واقع تله تئاتر به واقع هنوز جایگاه واقعی و اصلی خود را پیدا نکرده است.

● وضعیت تله تئاتر در حال حاضر چگونه است؟

عموما شناختی از تله تئاتر حتی در میان دانشجویان تئاتر وجود ندارد. در دانشکده های تئاتر ببینید چند واحد به تله تئاتر و تئاتر رادیویی اختصاص دارد. خود صداوسیما الان این مشکل را شناسایی کرده و در حوزه نمایش رادیویی کارهای بسیاری انجام می دهد. در بخش کمیته علمی صدا که من هم افتخار عضویت در آن را دارم، مشغول کار زیربنایی این حوزه هستند و به زودی خیل عظیم کتاب هایی درباره نمایش رادیویی (چه ترجمه و چه تالیف) منتشر خواهد شد. تا آنجا که من اطلاع دارم در سینما هم شناخت و آسیب شناسی تله تئاتر در برنامه های این معاونت گنجانده شده است و نتیجه این نگاه علمی قطعا در برنامه های تلویزیونی تاثیر خواهد گذاشت.

● کمی هم درباره وضعیت نمایش های رادیویی بگویید.

من چون در دل این ماجرا هستم، می توانم بگویم که نمایش رادیویی مخاطبان زیادی دارد، اگرچه مخاطب رادیو با مخاطب تلویزیون قابل قیاس نیست. اما رادیو در بسیاری از موارد، فرهنگی تر و درست تر از تلویزیون عمل کرده است. در نتیجه مخاطب انتخاب شده خودش را دارد. هر چند ممکن است به لحاظ کمیت، نسبت به تلویزیون، مخاطبان کمتری داشته باشد، اما نکته اینجاست که مخاطبان رادیو انتخاب کننده هستند.

گزارش نمایش رادیویی «خورشید پشت ابر» در رادیو تصویر ندارید اما...



آن دو به حدی زیبا اجرا می‌کنند که احساس نمی‌کنم در استودیوی پخش هستم، بلکه در فضای زندان و بازجویی قرار دارم. افکتور نمایش هم به زیبایی در جاهایی که نیاز به صدای کویدن در و ... است، واکنش نشان می‌دهد و ترکیب بازیگران و افکتور فضا بازجویی را به شنوندگان منتقل می‌کند. ژاله علو هم نکاتی را که لازم باشد به بازیگران نمایش تذکر می‌دهد.

ژاله علو: باید با صدا، قهرمان بسازیم

در هنگام استراحت گروه، نزد ژاله علو می‌روم و او درباره نمایش‌های رادیویی و اینکه چه قدر سابقه‌اش در تئاتر به او کمک کرده، می‌گوید: «تئاتر به تمام رشته‌های نمایشی کمک می‌کند و کسانی که در تئاتر فعالیت می‌کنند، فن بیان را آموخته‌اند و می‌دانند فرق تئاتر کلاسیک و روزمره چیست؟ سابقه تئاتر حتی در سینما و دوبله هم به کار می‌آید.»

وی ادامه می‌دهد: «تئاتر پایه خوبی برای افرادی است که در کارهای نمایشی قصد دارند فعالیت کنند. البته نمایش رادیویی با بازیگری در تئاتر فرق می‌کند. در رادیو فقط با صدا سر و کار دارید و باید تمام حس را از طریق صدا به شنونده منتقل کرد، اما در تئاتر میمیک صورت هم به کار می‌آید. در رادیو با صدا باید یک قهرمان بسازید، یک فقیر بسازید و ... به فضای جنگ را نشان دهید. بازی در نمایش رادیویی کار مشکلی است. اگر چه افکت دارید، اما باید به گونه‌ای بازی کنید تا نمایش برای شنونده قابل باور باشد.»

کارگردان نمایش «خورشید پشت ابر» می‌گوید: «به یاد دارم سال‌ها پیش، وقتی نمایش رادیویی پخش می‌شد، تمام خیابان‌ها خلوت می‌شد تا مردم نمایش شب را بشنوند و اگر کسی نمایش را نمی‌شنید برای دیگری تعریف می‌کرد. اگر چه وسائل سرگرم‌کننده در حال حاضر زیاد شده، اما هنوز هم نمایش‌های رادیویی شنونده زیادی دارد. درست مثل جایگاه نان در میان خانواده‌های ایرانی. اگر چه غذاهای متنوع وجود دارد، اما نان هرگز جایگاه‌اش را در میان خانواده‌ها از دست نمی‌دهد.»

وی اشاره می‌کند: «کارگردانی نمایش برایم جذابیت زیادی دارد و با ضبط هر نمایش احساس می‌کنم وارد عرصه جدید شدم و برایم تازگی دارد. برایم هرگز کهنه نمی‌شود و همین عشق، من را ۵۹ سال در رادیو نگه داشته است.» بعد از گفت‌وگو با علو استودیو پخش را در حالی ترک می‌کنم که قسمت دیگری از نمایش «خورشید پشت ابر» ضبط می‌شود.

دارد و هر کدام ابعاد کوچکی دارند، بزرگ است. دستگاه صدا، چند دستگاه آنالوگ. باندهای صدا که همچون نگهبانانی در دو طرف شیشه‌ای قرار گرفته‌اند.

عذرا وکیلی که سالیان بسیاری در رادیو و به ویژه نمایش‌های رادیویی فعالیت داشته، تهیه‌کننده نمایش «خورشید پشت ابر» است. او درباره ویژگی‌های نمایش رادیویی که تا چه حد پایه آن به تئاتر برمی‌گردد، توضیح می‌دهد: «نمایش رادیویی با تئاتر خیلی فرق می‌کند. بنابراین هر هنرپیشه تئاتر نمی‌تواند بازیگر نمایش رادیویی شود، چرا که در رادیو شما تصویر ندارید و باید هر حسی را از طریق صدا به شنونده منتقل کنید. بارها بازیگران تئاتر که صدای خوبی هم داشتند برای نمایش رادیویی آمدند، اما موفق نبودند. شما باید به گونه‌ای در نمایش رادیویی بازی کنید تا مخاطب متوجه شود غذایی که الان می‌خورید، مایع است یا جامد؟ سیگار می‌کشید یا آدامس می‌جوید؟»

اهمیت صدابردار

محمد حاج‌نوروزی صدابردار درباره صدابرداری نمایش‌های رادیویی می‌گوید: «من سالهای طولانی برنامه «صبح جمعه با شما» را صدابرداری کردم. صدابرداری کارهای نمایشی متفاوت از دیگر برنامه‌های رادیویی است. گذاشتن میکروفن، فضا سازی و چیدمان بازیگران پشت میکروفن اهمیت زیادی دارد. همچنین باید صدابردار به صدای افکت و صدای بازیگران توجه زیادی کند. کنترل تمام این موارد دست صدابردار است و باید به گونه‌ای در نماش رادیویی فضا سازی کند تا شنونده تمام فضا را کاملاً حس کند. در واقع بالانس‌های کار به عهده صدابردار است.»

بعد از گفتگو با حاج‌نوروزی وارد استودیو پخش می‌شوم. امیر بختیاری و رضا عمرانی رو به روی هم نشسته‌اند. در کنار آنها محمدرضا قبادی فر افکتور ایستاده و وسائلی همچون یک لیوان، تلفن، دستگیره در و ... در کنارش قرار دارد. ژاله علو هم روی یکی از صندلی‌ها نشسته و مشغول مطالعه نمایش است. بعد از چند دقیقه ضبط نمایش «خورشید پشت ابر» با صدای اتاق فرمان شروع می‌شود و ژاله علو آرم نمایش که شامل فهرست عوامل است، را می‌خواند و بعد از چند دقیقه نوبت امیر بختیاری و رضا عمرانی می‌شود تا نقش بازپرس و متهم را بازی کنند.

رادیو را کنار تخت می‌گذارد و آرام پیچ رادیو را می‌چرخاند تا قصه شب را گوش دهد. این کار هر شب او است تا خوابش ببرد. بعد از چند دقیقه صدای ژاله علو در حالی که موسیقی متن آرامی با صحبت‌اش عجین شده به گوشش می‌رسد. قصه «خورشید پشت ابر». نویسنده ملیحه جعفری، تهیه‌کننده عذرا وکیلی، کارگردان ژاله علو، سردبیر مهدی شرفی، بازیگران امیر بختیاری، رضا عمرانی، هادی کمالی مقدم، فریبا طاهری و ... و قصه شب اینگونه شروع می‌شود. بازپرس: این سومین جلسه بازجویی شما است و بعد صدای متهم: چرا تمام‌اش نمی‌کنید؟ چرا وقت را تلف می‌کنید و ...

در واقع رادیو رسانه‌ای منحصر به فرد است که شنونده‌ها از طریق آن احساس می‌کنند به طور خصوصی با آنها صحبت می‌شود و نمایش‌های رادیویی نسبت به آنچه که از تلویزیون پخش می‌شود، تأثیر بیشتری گذارد. خلق نمایش‌های رادیویی کار ساده‌ای نیست، حتی موسیقی صحنه را تعیین و فضا را خلق می‌کند. مخاطب در آغاز نمایش برای آنکه سفرش را آغاز کند باید اطلاعاتی داشته باشد. چه کسی؟ چرا؟ کجا؟ چه وقت؟

شاید برای همین است که دبیر جشنواره امسال تصمیم گرفت این بخش را به جشنواره بین‌المللی تئاتر بیاورد. من نیز صبح یکی از روزهای سرد زمستانی مهمان نمایش رادیویی «خورشید پشت ابر» در اداره کل نمایش رادیویی در رادیو تهران می‌شوم تا از نزدیک شاهد ضبط نمایش رادیویی باشم.

هر هنرپیشه‌ای نمی‌تواند گوینده شود

فضای استودیو پخش نمایش‌های رادیویی بر خلاف دیگر شبکه‌های رادیویی که در ساختمان شهدای جام جم قرار

تئاتری‌ها در قاب جادو

■ خانواده تَت

«خانواده تَت» به کارگردانی «مائده طهماسبی» از جمله نمایش‌هایی است که در بخش نمایش‌های رادیویی - تلویزیونی بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به اجرا در خواهد آمد.

این نمایش در روزهای هفتم و نهم بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی در تالار هنر و استاد ناصری خانه هنرمندان ایران به‌روی صحنه می‌رود.

طهماسبی که بیشتر فعالیت‌هایش در صحنه تئاتر به بازیگری معطوف بوده و پیش از این او را به‌عنوان بازیگر نمایش‌هایی چون پنجره‌ها (فرهاد آئیش)، درام‌های زندگی (بابک محمدی)، دن کامیلو (کوروش نریمانی) و... دیده‌ایم، سال جاری در دومین تجربه کارگردانی خود این نمایشنامه را براساس نوشته‌ای از «ایشتوان ارکنی» به‌روی صحنه برد. «کمال ظاهری» این اثر را ترجمه و «فرهاد آئیش» بازنویسی کرده است.

این نمایش ابتدا تیر و مردادماه سال جاری در تالار «سایه» مجموعه تئاتر شهر به‌روی صحنه رفت و پس از آن در سالن اصلی فرهنگسرای نیاوران اجرا شد، ضمن آنکه تله‌تئاتر آن نیز از شبکه چهارم سیما پخش شد.

داستان این اثر در سومین سال جنگ جهانی دوم در یک خانه محقر روستایی در مجارستان اتفاق می‌افتد. ژولانت، پدرش لایوس تَت و مادرش ماریشکا همچنین خواهرش آگیا را از طریق نامه، از حوادث ناپه‌نچار و سخت جبهه باخبر می‌کند. پستی‌خی خل وضع دهکده به‌جای آنکه نامه‌ها را به مقصد برساند، آنها را پاره یا دستکاری می‌کند و این موضوع شرایط پیش‌بینی ناپذیری را پیش می‌آورد. مرز گروتسک پیش رفته و از این تراژدی هولناک، یک کمدی آب‌زورد به‌جا می‌گذارد.

شرایط آب‌زورد که در مرز بین درام و کمدی مخدوش شده و مخاطب با یک چشم خندان و یک چشم گریان، تنها می‌ماند.

■ دریا روندگان

نمایش «دریا روندگان» اثر «جان سینگ» با ترجمه علی‌اکبر علیزاد و کارگردانی «محمد عاقبتی» در بخش نمایش‌های رادیویی - تلویزیونی دو اجرا در روزهای بیستم و بیست‌ویکم بهمن‌ماه خواهد داشت.

تله‌تئاتر این نمایش به‌صورت تک‌قسمتی به تهیه‌کنندگی رحمان سیفی‌آزاد از شبکه چهارم سیما با بازیگرانی چون مهتاب نصیرپور، شبنم فرشادجو، سعید چنگیزیان و آزاده صمدی پخش شد، ضمن آنکه «حسام نورانی» کارگردانی تلویزیونی آن را برعهده داشت.



که امسال به نمایش در خواهد آمد. «هادی مرزبان» کارگردانی است که طی این سال‌ها نمایش‌هایی از اکران‌های را به صحنه برده که آخرین آنها «البخند باشکوه آقای گیل» بود.

این نمایشنامه نوشته «فریش هوخولدر» بوده که توسط دکتر «پرویز ممنون» ترجمه شده است. در این تله‌تئاتر اکبر زنجان‌پور، فرهاد آئیش، فردوس کاویانی، امیر دژاکام، الهام پناه‌نژاد، رامین کبریتی و مهدی عبادتی بازی می‌کنند.

«ببر گراز دندان» زندگی دو نویسنده بزرگ است. یکی از این دو نویسنده اعتقاد دارد بشر، روزی، به وسیله مغز خودش نابود می‌شود. همانطور که در طبیعت ببرهایی وجود داشتند که دندان‌هایی شبیه گراز داشتند و دیگر نیستند. ببر گراز دندان گونه‌ای ببر ما قبل تاریخی است که دندان‌های او وسیله مبارزه و بقای او بودند اما به دلیل رشد بسیار، او را از زندگی ساقط کرده‌اند.

این تله‌تئاتر به‌تهیه‌کنندگی آزادان و با کارگردانی تلویزیونی مسعود فروتن تولید شده است و در عین مدرن بودن، صددرصد رئال کار شده است.

مرزبان همچنین تله‌تئاتر «استاد معمار» نوشته هنریک ایبسن را نیز کار کرده است. این تله‌تئاتر به‌تهیه‌کنندگی علی‌اصغر آزادان و کارگردانی تلویزیونی مسعود فروتن آماده می‌شود و کارگردانی هنری آن را «مرزبان» خود برعهده دارد. در این کار بازیگرانی چون حمید مظفری، لادن مستوفی، فریبا کوثری، علی رامز، محمد عمرانی، شهرام نوشیر و شراره سلیم‌بیات ایفای نقش دارند.

مرزبان در این باره می‌گوید: «این نمایشنامه به‌گونه‌ای به نمادگرایی نزدیک شده و از فضای رئال دور شده است، اما ما آن را به‌طور رئال کار کرده‌ایم تا به حس بازیگران نمایش نزدیک‌تر باشد. این نمایش به زندگی یک استاد معمار می‌پردازد که در سنین میان‌سالی و پیری، دختر جوانی عاشق عظمت آثار و شخصیت او می‌شود.»

■ زمستان ۶۶

تله‌تئاتر زمستان ۶۶ با کارگردانی هنری محمد یعقوبی در اولین روز از بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در بخش نمایش‌های رادیویی - تلویزیونی پخش شد.

این نمایش اولین تجربه کارگردانی

«یعقوبی» در عرصه تلویزیونی محسوب می‌شود. حضور او در این بخش می‌تواند نقطه عطفی برای این عرصه قلمداد شود. در جشنواره تئاتر فجر ۷۶ شرکت کرد و

صحنه‌پردازی، میزاسن و جنس کارگردانی تلویزیونی در این اثر در مقایسه با دیگر تله‌تئاترها متفاوت بود.

نمایشنامه «دریا روندگان» از جمله معروف‌ترین تک‌پرده‌ای‌های جهان است که مشقات ساحل‌نشینان شمال ایرلند را به تصویر می‌کشد و داستان آن درباره خانواده‌ای است که همه مردان خود را در جدال با دریا از دست داده‌اند و حال نوبت آخرین مرد است که به دریا بزنند.

از نقاط قوت این نمایشنامه فضاسازی، زبان فشرده و شاعرانه آن است، ضمن آنکه توجه به هنر فولکلور ایرلند موجب شده این نمایشنامه جزو آثار شاخص ادبیات جهان به‌شمار آید.

سینگ از بنیانگذاران جنبش احیای ادبیات فولکلور ایرلند به‌حساب می‌آید که عمده نوشته‌های او حول و حوش رنج‌ها، مشقت‌ها، امیدها، نومیدها و درگیری‌های مردمان روستا نشین ایرلند می‌چرخد.

■ اترارنامه

«اترارنامه» دیگر نمایش بخش نمایش‌های رادیویی - تلویزیونی را «اصغر خلیلی» نوشته و کارگردانی کرده است.

این نمایش در تالار «قشقایی» به‌روی صحنه رفته و تله‌تئاتر نیز از تلویزیون پخش شده است.

در اترارنامه داستان حمله چنگیز به ایران مطرح می‌شود، اینکه تموچین که بعد، اسم او بدل به چنگیزخان شد در ۳۰ سالگی سردار ایل خود شد و در اندک زمانی بر سایر حکام مغول و ترک غلبه کرد و در ۶۱ سالگی عازم ماوراءالنهر شد و احوال بر وی چنان گشت که غضبناک چون سیلی خروشان به ایران حمله‌ور شد.

اترارنامه تاکنون در چندین جشنواره داخلی و خارجی از جمله فستیوال‌های شب‌های سفید آلمان، جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، جشنواره تئاتر اصفهان و جشنواره سراسری تولیدات صداوسیما به نمایش درآمده و ۱۳ جایزه به خود اختصاص داده است.

نمایش «اترارنامه» به کارگردانی اصغر خلیلی در کنار نمایش «دالتون‌ها» به کارگردانی روبرتو چولی در جشنواره تئاتر روهر آلمان اجرا شد.

«خلیلی» با این نمایش به دعوت روبرتو چولی مدیر تئاتر روهر آلمان، سال گذشته این نمایش را در جشنواره تئاتر روهر به‌مدت دو شب و در کنار دو نمایش دالتون‌ها به کارگردانی روبرتو چولی و «آنتیگونه» محصول کشور آلمان روی صحنه برد که از سوی یکی از فعالان فرهنگی ایرانی مقیم دوی برای اجرا در این کشور دعوت شد و در سالی با ظرفیت ۲۰۰ تماشاگر، به‌مدت سه شب روی صحنه رفت.

■ ببر گراز دندان

«ببر گراز دندان» از دیگر نمایش‌های برگزیده تله‌تئاترهاست



یادداشت

تبدیل جشنواره کاربردی به جشنواره راهبردی کامل نوروزی

یکی از شعارهای بیست و ششمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر، تبدیل جشنواره کاربردی به جشنواره راهبردی است.

برای میل به این مقصود، باید شاخصه هایی را در نظر گرفت تا بتوان در مسیر توسعه تئاتر ایران گام های موثری برداشت و به اهداف بلند مدت مستتر در هنر انسان ساز تئاتر نائل شد. در این مقاله به سه شاخصه مهم و اساسی که می تواند کویته ترین راه برای رسیدن به بلندترین اهداف جشنواره باشد، تاکید می شود: محدودیت موضوعی، محدودیت مکانی، محدودیت زمانی.

در بخش اصول اولیه منشور تئاتر ایران، به شاخصه موضوعی تاکید اساسی شده است. اگر هنرمندان تئاتری افکار و عقاید خویش را بر مبنای این اصول بسط و توسعه دهند بی شک در کوتاه ترین زمان به آرمان تبدیل جشنواره کاربردی به جشنواره راهبردی پاسخی شایسته و مثبت خواهند داد و چنین ذهنیتی را به عینیتی ملموس و قابل باور مبدل می کند. همچنین به پرسش های بنیادین انسان برای رسیدن به آزادی، عدالت، برادری، اخلاق و خیر اندیشی به شیوه ای هنرمندانه دست خواهند یافت و روح ها را به سمت کمال که نهایت آرزوی هر انسان است سوق می دهد.

برداشت محدودیت مکانی، شاخصه دیگری است که می تواند در تبدیل جشنواره کاربردی به جشنواره راهبردی نقشی مانا ایفا کند و هنرمندان تئاتری را وادارد تا با پیروی از اصول مبتنی بر هدف خلقت انسان که با فکر، کار، انتظار و امید همراه است آثار خویش را خلق کند و بدور از خودخواهی و دنیاخواهی به آینه حقیقت نمای جامعه مبدل شود. بدیهی است که بسط و گسترش سالن های اجرایی تئاتر و احداث مکان های جدید در اقصی نقاط کشور چنین شعاری جانی دوباره بخشد.

حذف محدودیت زمانی سومین شاخصه ایست که می تواند در فرایند جذب مخاطب، بیش از دو شاخصه دیگر تأثیرگذار باشد و به ذات تئاتر که هنری اخلاق گراست، منزلتی دیگر بخشد و حرمت های اخلاقی جامعه را حفظ کند تا اهداف جشنواره تئاتر همچنان بعد از پایان نیز میان مردم جاری باشد و به عنوان یک عنصر زنده در طول سال به نقش آفرینی خود ادامه دهد. خوشبختانه در بیست و ششمین جشنواره تئاتر فجر به این سه شاخصه مهم و اساسی یعنی محدودیت موضوعی، مکانی و زمانی توجه خاص و ویژه شده است. امید است که در سایر دوره ها نیز به چنین مواردی با نگرشی عمیق تر نگریده شود.

این نمایش داستان سه بیوه زن را در خانه ای بزرگ که ارث «محمد تقی خان سالار جنگ» است، روایت می کند. این سه تن همسرهای «سالار جنگ» هستند و دلیل به عقد او درآمدشان نیز تولد فرزند پسر است که اجاق روشن «سالار جنگ» باشد؛ فرزندی که هیچ گاه متولد نمی شود.

آنتیگونه در نیویورک

هما روستا با نمایش «آنتیگونه در نیویورک» دیگر کارگردانی است که در بخش نمایش های رادیویی - تلویزیونی حضور دارد، این نمایش ابتدای سال جاری در تالار مولوی اجرا شد.

«روستا» پیش از این نمایش سانتاکروز را روی صحنه برده بود و از آن پس قصد کرد به طور پی گیر کارگردانی را ادامه



دهد. پس از سانتاکروز چند متن مختلف را برگزید، اما نهایتاً قرعه به نام متن گلوواتسکی افتاد و نمایشنامه آنتیگونه در نیویورک. او در این نمایش با شیوه استفاده از فیلم توانست به اجرایی مدرن دست

یابد و شاید مهمترین دستاورد نمایش نیز حضور احمد آقالو پس از سال ها دوری از عالم نمایش بود.

نمایش به زندگی آدم های در سکوت مانده می پردازد. آدم هایی که به دلیل دوری از اجتماع و حوادثی که در زندگی پشت سر گذاشته اند به سکوتی مرگبار رسیده اند. سکوتی که آنها را در خود می بلعد و چونان آبی که در یک نقطه راکد می ماند در نهایت به گنداب تبدیل شان می کند. این نمایش با حضور بازیگرانی همچون سیامک صفری، احمد آقالو، بهناز جعفری و داریوش موفق به صحنه رفت.

«آنتیگونه در نیویورک» نوشته یانوش گلوواتسکی، نویسنده لهستانی است که توسط حسن ملکی ترجمه شده است.

واقعیت اینه که خورشید دور ما می گرده

نمایش «حقیقت این است که خورشید به دور ما می چرخد» کار سیامک احصایی که پیش از این در تالار قشقایی روی صحنه رفته، دیگر نمایش این بخش است.

متن این نمایش توسط حسن برزگر نوشته شده و پانته آ پناهیا و محمد حسین زاده بازیگران آن هستند و احصایی خود به عنوان طراح صحنه و لباس این نمایش حضور داشته که البته «نرمین نظمی» نیز او را یاری داده است. آهنگساز نمایش نیز هنریک ناجی است.

این در حالی است که نمایش های دخونامه اسمال هالو در عجب آباد، مارال، نه زیرون، لحظه دیدار، زنان فضل فروش، مرگ در می زند، پس از آن همه سال، نوش جان کنت دراکولا و هملت از جمله نمایش های رادیویی هستند که در این بخش به اجرا در می آید.

همچنین چند نمایش شهرستانی نیز در این بخش حضور دارند. که گزارش اجراهای آنها را در شماره های آتی می خوانید.

توانست جوایز اول کارگردانی و نمایشنامه نویسی را به خاطر این نمایش دریافت کند.

زمستان ۶۶ که به طرح مسائل یک خانواده در بحبوحه موشک باران پرداخته بود در دو قسمت ۵۰ دقیقه ای برای گروه ادب و هنر شبکه چهارم تولید شد و در آن آهو خردمند، آیدا کیخایی، امید دلوری، پگاه طبسی نژاد، آشا محرابی، سعید چنگیزیان، محمد یعقوبی و محسن صادقی ایفای نقش کرده اند. این نمایش در سال ۷۶ با بازی مرحومه پوپک گلدره بر صحنه رفت.

تهیه کنندگی و مدیریت تولید این تله تئاتر را رضا حامدی خواه و کارگردان تلویزیونی آن بیژن پریدخت عابدین نژاد و طراحی نور را مجید گلزاریان انجام داده اند.

وکیل تسخیری

نمایش «وکیل تسخیری» اثر جان مور تینر و ترجمه سیروس ابراهیم زاده نیز در اولین روز از جشنواره در بخش نمایش های رادیویی - تلویزیونی اجرا شد.

این نمایش به زندگی یک وکیل تسخیری می پردازد که سال ها روی نیمکت به انتظار متهمی است که وکالت او را به عهده بگیرد و حالا اولین متهم او را به طور اتفاقی انتخاب می کند.

در این نمایش بازیگرانی چون بهرام ابراهیمی و خسرو احمدی ایفای نقش می کنند.

نمایشنامه وکیل تسخیری یکی از آثار ارزشمند و مهم «جان مور تینر» نویسنده برجسته سینما، تئاتر و تلویزیون است که تاکنون در کشور انگلستان با واکنش های مثبت کارشناسان و منتقدان مواجه شده است.

این نمایشنامه به بزرگترین بحران قرن که همان افسردگی است، می پردازد. هر دو شخصیت نمایش یعنی وکیل و موکل از این عارضه به نوعی رنج می برند.

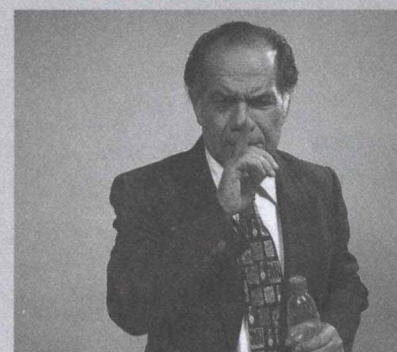
بیوه های غمگین سالار جنگ

نمایش کمندی «بیوه های غمگین سالار جنگ» که توسط

گروه «پاپتی ها» اجرا شده است، جمعه ۱۹ بهمن ماه در بخش ویژه بخش نمایش های رادیویی - تلویزیونی، اجرا شد.

محمد امیر یاراحمدی (نویسنده)، هادی عامل (طراح و

کارگردان)، علیرضا بیدقی (طراح صحنه) و نگار عابدی، شبنم مقدمی، هدایت هاشمی، سینما رازانی، جواد پورزند، آتیه جاوید (بازیگران) این نمایش هستند.



فریندخت زاهدی، عضو هیات انتخاب بخش بین الملل

معیار ما زبان نمایشی است

«فریندخت زاهدی» استاد دانشگاه و یکی از داوران بخش انتخاب آثار غیرایرانی، ابداعات، تکنیک‌های جدید نمایشی و نگره‌های نوین را از جمله ملاک‌های خود و هیات انتخاب برمی‌شمرد و می‌گوید: «دو محور در نظر هیات انتخاب از اهمیت به‌خصوصی برخوردار بود، یکی محتوای نمایش‌ها که باید به مساله انسان در جهان امروز توجه نشان می‌داد، دوم زبان نمایشی و فرم اجرایی کارها بود که می‌بایست در القای محتوای نمایش‌ها پررنگ می‌شد.»

● تا چه حد باید به فرم و محتوای اثر در نمایشی وفادار ماند؟

زبان نمایش صرفاً ادبیات نیست، بلکه حرکت است. ما باید بدانیم تا چه حد می‌شود به القای مفهوم درام عمل کرد. تئاتر امروز در دهکده جهانی از مفهوم بیان به حرکت زبان نمایشی تبدیل شده است. تا در کنار بومی بودن، از مرزهای زبان عبور کند و حرف جهانی داشته باشد و این زبان در تصویر و فرم نمایشی خلاصه شده است.»

در واقع نگاه جدید به تئاتر مدرن همزمان با وسایل ارتباط جمعی باید متحول شود. این تحول به جز رسیدن به یک

زبان نمایشی کامل نمی‌شود. یکی از اصلی‌ترین معیارهای ما نیز در گزینش آثار برگزیده خارجی در جشنواره تئاتر فجر همین وفاداری به زبان نمایش بود.

● آیا توسعه وسایل ارتباط جمعی در ایران همپای غرب پیش می‌رود که تئاتر ما همپای غرب باشد؟

در اینجا لازم است دو مساله را یادآور شوم. نخست اینکه شاید ما در ظاهر به اندازه غرب، زندگی در دنیای ارتباطات را تجربه نکرده باشیم ولی باید خاطر نشان کنم که آمار



گویای همه چیز است. استفاده از زبان فارسی در داده‌های آماری در سایت‌های مجازی جهان مقام چهارم را دارد که این خود گویای فراگیری زبان فارسی و ایرانیان به وسایل الکترونیکی و ارتباط جمعی است. این مساله نشان می‌دهد که ارتباط ما با دنیا قطع نیست. حتی با همین سرعت هم زندگی می‌کنیم. دوم اینکه اگر یک ایرانی به این گستردگی می‌تواند از علائم و نشانه‌های اینترنتی استفاده کند. در نتیجه از پس علائم صفحه‌ای و فرمیک هم در سالن تئاتر برمی‌آید. پس ما عقب‌تر از دنیای الکترونیکی غرب نیستیم و زبان نمایشی مان هم می‌تواند به شکل فرمال عمل کند.

البته وقتی می‌گوییم فرم یعنی محتوایی که از فرم به آن می‌رسد. یعنی از طریق فرم در لایه‌های عمیق‌تری، محتوا را مطرح می‌کنیم.

● ارزیابی شما از بیست‌وششمین دوره جشنواره تئاتر فجر چیست؟

تلاش بسیاری برای بالا بردن کیفیت برگزاری به لحاظ کمی و محتوایی شده است و این آغاز جای بسی خوشحالی برای ما علاقه‌مندان تئاتر است. اینکه جشنواره با دعوت از گروه‌های برجسته خارجی برگزار شده است، از درجه اهمیت بالایی برخوردار است. از نکات قابل ملاحظه دیگری که باید به آن اشاره کنم همکاری جامعه دانشگاهی با جشنواره تئاتر فجر است و این تعامل هم به خودی خود به اعتبار و ارزش جشنواره می‌افزاید. در نهایت شخصاً مدیریت جشنواره تئاتر امسال را بسیار مثبت ارزیابی می‌کنم و در ادامه جشنواره منتظر نتیجه و ماحصل مفیدی از آن هستم.

خانه تئاتر نمایش‌های خیابانی را نقد می‌کند

جلسات نقد و بررسی نمایش‌های خیابانی شرکت‌کننده در بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر از روز دوم جشنواره در خانه تئاتر آغاز شد. انجمن نمایشگران تئاتر خیابانی خانه تئاتر متولی برگزاری این جلسات نقد و بررسی استو طی ۹ روز نمایش‌های خیابانی را با حضور منتقدان عضو این انجمن و سایر منتقدان تئاتری مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

مریم معترف و صمد چینی فروشان تا کنون منتقدان این جلسات بوده اند. عبدالحی شماسی، همایون علی‌آبادی، سید عظیم موسوی، علی قهرمانی و متوجه‌اگرلو نیز دیگر منتقدان هستند.

این جلسات نقد و بررسی از ساعت ۱۰ تا ۱۲ در تالار اجتماعات خانه تئاتر برگزار می‌شود.

همچنین انجمن نمایشگران خیابانی خانه تئاتر در نظر دارد تا به سه نمایش خیابانی برگزیده مردمی در مراسم اختتامیه جشنواره جایزه بدهد و در جشن خانه تئاتر از منتقدان شرکت‌کننده در این جلسات تقدیر کند.

انجمن نمایش‌گران خیابانی خانه تئاتر خبرهای خود را در وبلاگ www.theatre-khiabani.blogfa.com قرار داده است.

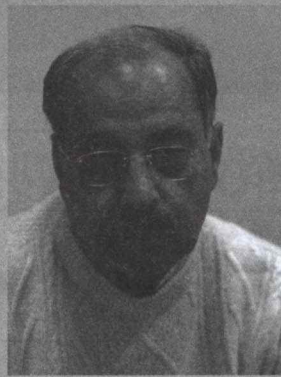
اصغر همت: شاید نمایش‌های ایرانی پیشی بگیرند

«چنانچه نمایش‌های شرکت‌کننده در بخش مسابقه بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به لحاظ کیفی انتخاب شده باشند. نتیجه مطلوبی حاصل خواهد شد.»

اصغر همت بازیگر باسابقه تئاتر، سینما و تلویزیون با اشاره به این نکته گفت: این دوره از برگزاری جشنواره تئاتر فجر به لحاظ کمی با هیچ دوره‌ای قابل مقایسه نیست، امیدوارم که کمیت موجود، کیفیت نیز به‌همراه داشته باشد.

همت درخصوص نحوه داوری بخش مسابقه بیست‌وششمین جشنواره تئاتر فجر گفت: «این نخستین دوره‌ای است که شاهد شیوه داوری آثار شرکت‌کننده در بخش مسابقه به این شکل هستیم، بنابراین نمی‌توان راجع به آن اظهارنظری کرد زیرا قیاسی نداریم. در حال حاضر میزان سطح کیفی آثار نمایش غیرایرانی و ایرانی شرکت‌کننده در این بخش مشخص نیست اما آنچه مسلم است اینکه تئاتر ما قابل مقایسه با تئاترهایی که همه‌چیزشان به سامان است، نیست. اما هیچ بعید نیست که نمایش‌های ایرانی از اجراهای خارجی پیشی بگیرند.»

وی در ادامه افزود: البته باید این نکته را متذکر شوم که اگر نمایش‌های ایرانی بر نمایش‌های خارجی شرکت‌کننده در بخش مسابقه جشنواره تئاتر فجر امسال برتری پیدا کنند، باید آن را استثنا محسوب کرد، چراکه در قاعده ما برتری نسبت به آنها نداریم.



دکتر محمدرضا خاکی:

مساله اصلی تعامل فرهنگی است

«بیش از هر چیز در تئاتر، تعامل فرهنگی از اهمیت بالایی برخوردار است.»
دکتر محمدرضا خاکی با اعلام این مطلب گفت: «به اعتقاد من جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر ویتترین تئاتر کشور ماست و باید به زیباترین شکل ممکن، بهترین آثار خود را عرضه کند و بتواند فضای وارد تعامل با گروه‌های خارجی شود.»

وی در ادامه افزود: «چندان موافق با مسابقه‌ای شدن جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر نیستم، چراکه باید در نظر داشت که ما در چه میزان و سطحی مقایسه و داوری را انجام می‌دهیم، چگونه تئاتری که در کشور ما تولید شده را با تئاتری که در اروپا، اروپای غربی، آفریقا و... تولید شده، مقایسه می‌کنیم.»
خاکی خاطر نشان کرد: «به هر حال حرکت مثبتی است که گروه‌های نمایشی قوی را به جشنواره تئاتر فجر دعوت کنیم، اما چندان جالب نیست که در مسابقه‌ای که نتیجه آن کاملاً روشن است وارد رقابت شویم.»
وی تصریح کرد: «در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر امسال زحمات بسیاری کشیده شده، فکر می‌کنم برنامه‌ریزی جدی‌تر و منسجم‌تری صورت گرفته است، اما به اعتقاد من گسترش کمیت در خصوص برخی از رشته‌ها که اصولاً کیفی هستند چندان کمکی به ما نخواهد کرد. تئاتر یک هنر است و باید جنبه‌های کیفی آن رشد و ارتقا پیدا کند.»
خاکی در پایان گفت: «به طور کلی باید صبر کرد و در مجموع پس از مشاهده نحوه برگزاری جشنواره و نتیجه آن قضاوت کرد، چراکه باتوجه به در جریان بودن این جشنواره، حالا نمی‌توان قضاوت درستی کرد.»

گزارشی از نمایش «هملت اتمی» کاری از «سعید خیراللهی»

هملت در مترو

جمعیت انبوهی که در سالن ایستگاه مترو امام خمینی (ره) ایستاده‌اند، چند سرباز را می‌بیند که با جعبه‌ای که در گوشه‌ای گذاشته‌اند نمایش خیابانی را آغاز می‌کنند.
ماجرای آنجا آغاز می‌شود که هملت در شکلی مدرن به صحنه می‌آید و با مصایب دنیای امروز درگیر می‌شود. زندگی هملت شکسپیر در این نمایش پیوند غریبی با اتفاقات سیاسی روز دارد.
جمعیت با بازیگران ارتباط خوبی برقرار می‌کنند که در عین حال از ایستادن و تماشا برای لذت می‌برند. وقتی نمایش به پایان می‌رسد به سراغ سعید خیراللهی می‌روم و از او می‌پرسم، بازخوردی که امروز نمایش او داشته است آیا همان چیزی است که وی در نظر داشته است؟ خیراللهی در پاسخ می‌گوید: «انتخاب چنین محیطی برای اجراهای خیابانی ایده بسیار خوبی است. خصوصاً در فصل سرما و امسال که سرما بیش از حد بود.»
درباره شیوه کارش از او می‌پرسم و وی پاسخ می‌دهد: «خواستیم هملت و داستان و دغدغه‌ها و تردیدهای او را در دنیای امروزی مطرح کنیم و از این راه با مخاطب عام تئاتر ارتباط داشته باشیم.»
خیراللهی در ادامه می‌افزاید: «تئاتر خیابانی در بین عامه مردم از جایگاه خوبی برخوردار است. مردم از بزرگسالان تا کودکان در هوای سرد می‌آیند و کارهای خیابانی را مشاهده می‌کنند و باعث دلگرمی گروه‌های خیابانی می‌شوند.»
وی در پایان اظهار می‌کند: «باید هرچه بیشتر به نمایشگران خیابانی اهمیت داد زیرا این دسته از هنرمندان با درآمد اندک و توقع جزئی در شرایطی سخت به فرهنگسازی مشغولند و در این راه تنها به لیخنند مردم امیدوارند. از اینکه در جشنواره امسال حضور داشته‌ام احساس خوبی دارم و امیدوارم مردم نیز از دیدن نمایش‌های بخش خیابانی لذت ببرند.»



برگزیده تماشاگران

جشنواره امسال در کنار تمام برنامه‌های منظم خود، ایده تازه‌ای را نیز در بخش خیابانی دارد. براساس آنچه که ما شنیده‌ایم قرار است هر روز یک نمایش خیابانی از طرف تماشاگران به عنوان نمایش برگزیده انتخاب شود. آنطور که رقم خورده در روز اول بخت و اقبال با نمایش «لطفاً مشغول باشید» به کارگردانی «رسول حق‌شناس» بوده و این شانس در روز دوم نصیب نمایش «علمدار» به کارگردانی «باقر رمضان‌زاده» شده است. از هم‌اکنون به این دوستان تبریک می‌گوییم. ضمناً باید یادآور شویم جلسات نقد و بررسی آثار خیابانی هر روز در خانه تئاتر برگزار می‌شود.

شکسپیر در خانه هنرمندان

نمایش هملت اثر جاودانه ویلیام شکسپیر با تنظیم رادیویی ایوب آقاخانی و کارگردانی رادیویی صدرالدین شجره (تولید مشترک معاونت صدای جمهوری اسلامی ایران و ستاد برگزاری بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر امروز (۲۰ بهمن) از ساعت ۱۹ در تالار انتظامی خانه هنرمندان به صورت رادیویی اجرا خواهد شد. این نمایش که با حضور هنرمندان شاخص رادیو، تئاتر و تلویزیون اجرا می‌شود به صورت زنده از طریق شبکه جوان رادیو موج ۸/۸۱ مگاهرتز پخش می‌شود. لازم به توضیح است که از امروز عوامل برنامه «نشانی» با اجرای مهران دوستی در خانه هنرمندان برای پوشش رادیویی بخش تولیدات رادیویی و تلویزیونی مستقر خواهند شد.

نیل وندرلیندن در کاشان

کارگاه آموزشی «نیل وندرلیندن» با موضوع «شیوه‌های نوین تئاتر امروز» در شهر کاشان برگزار خواهد شد. این کارگاه آموزشی با همکاری گروه تئاتر کاج و دبیرخانه بیست و ششمین جشنواره تئاتر فجر در تاریخ‌های ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ بهمن در محل پلاتو نمرین گروه تئاتر کاج از شهر کاشان و از ساعت ۱۵/۳۰ تا ۲۰ برگزار می‌شود.

گروه تئاتر کاج با مدیریت اکبر رضوانیان و شورای مرکزی متشکل از مهدی صفاری‌نژاد، علی داری‌زاده، عطیه ولیان، مرتضی جهانی و محمود ساطع در خانه تاریخی احسان مقابل مسجد آقابزرگ کاشان به فعالیت می‌پردازد.

قدیمی ترین جشنواره فرانسه



جشنواره آوینیون یک جشنواره سالانه هنری است که در شهر فرانسوی آوینیون برگزار می‌شود. این جشنواره که توسط ژان ویلار در سال ۱۹۷۴ پایه‌ریزی شد، قدیمی ترین جشنواره در حال حاضر فرانسه و یکی از بزرگترین‌ها در جهان است. سپتامبر سال ۱۹۷۴ ژان ویلار و شرکت تئاترش «هفته هنرهای دراماتیک آوینیون» را افتتاح کردند. طی این برنامه، روح شکسپیر حیاط بزرگ کاخ پاپ را در تصرف خود در آورد. برنامه‌ای جادویی شهر قدیمی آوینیون و تئاتر را به یکدیگر پیوند داد.

در سال‌های اولیه، جشنواره تنها حاصل تلاش ژان ویلار بود که قصد داشت با عزم راسخ خود افراد بیشتری به‌خصوص جوانان را با آنچه هنوز یک فرهنگ ممتاز تئاتری بود، آشنا کند. هدف او جذب مخاطبان جوان، شیفته و سرحال به سمت نوعی از تئاتر بود که با آنچه تاکنون در پاریس دیده می‌شد فرق داشت ویلار قصد داشت تا تئاتر را از طریق ایجاد یک فضای بازتر دوباره‌سازی کند تا روح تازه‌ای در کالبد هنری که در اتاق‌های نویسندگان در زیرزمین‌ها و سالن‌ها در حال خفه شدن بود، بدمد. گروه بازیگران تئاتر او برای ادامه برنامه تلاش می‌کردند و ساکنان آوینیون نیز که جرات و جسارت زیادی از خود نشان داده بودند به آنها پیوستند.

تماشاگران مشتاق شاهد بودند تئاتری که تا آن زمان تنها محدود به خانه‌های تئاتر قراردادی و مرسوم می‌شد، تبدیل به تئاتری شود که ریسک می‌کند و جمعیت پرشور و حرارت را به سمت خود جلب می‌کند.

جشنواره موفقیت بسیار چشمگیری کسب کرد و نمایش‌های «سید» کورنیل

«ریچارد دوم» شکسپیر، «پرنس هامبورگ» کلسنت که در حیاط اصلی کاخ به‌رو صحنه رفتند، تبدیل به افسانه‌های جشنواره آوینیون شدند و نام خود را در تاریخ تئاتر ثبت کردند. ژرارد فیلپ که در آن زمان بازیگری شناخته‌شده بود بعد از بازی نقش کلیدی در «سید» و «پرنس هامبورگ» به سمبل جشنواره بدل شد.

این جشنواره نفسی تازه به تئاتر فرانسه بخشید و باعث تشویق دیگر تجربیات تئاتری که توسط پیشگامانی مثل ژان داس در سنت‌اتین، موریس سارازین در تولوز یا هربرت کریگنو در رنه یا آندره کلاو در استراسبورگ، رهبری می‌شد. جشنواره آوینیون نه تنها مکانی برای ملاقات این پیشگامان صحنه بود، بلکه اتفاق فرهنگی تابستان نیز فرانسه به حساب می‌آمد.

از سال ۱۹۷۴، ژان ویلار تمامی انرژی خود را وقف مدیریت جشنواره آوینیون کرد. جشنواره قصد داشت شیوه‌های جدید برای بیان هنری باب کند. ویلار از سایر کارگردان‌ها دعوت کرد و حرکات موزون و

سینما را هم در برنامه گنجانید و مکان‌های جدیدی برای اجرای تئاتر در شهر افتتاح کرد. برای چهار هفته شهر در تصرف جشنواره بود. در حقیقت ویلار قصد داشت از طریق تئاتر، جشنواره را به مرکزی برای گفت‌وگو و انعکاسی از جامعه تبدیل کند.

ژان ویلار در ۲۸ مه ۱۹۷۱ درگذشت. بعد از او، دوست و همکار وفادارش پل پاکس مشعل جشنواره را که بیش از هر زمان دیگری عظیم و مهم شده بود به دست گرفت. در آن زمان جشنواره مکانی برای فرم‌های جدید بیان و کارگاه‌های تجربی، سینما، مطالعه، مذاکره، موسیقی و تئاتر کودکان بود. این چرخه با کناره‌گیری پل پاکس در سال ۱۹۷۹ پایان یافت. پاکس بعد از کناره‌گیری از ریاست فستیوال، خود را وقف مدیریت خانه ژان ویلار (که تبدیل به موزه‌ای در شهر آوینیون شده) کرد.

بعد از او «برنارد فیور دارچیر» مسوولیت را برعهده گرفت و پس از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۲ «آلن کرومبک» رئیس جشنواره شد. بعد از آلن باردیگر برنارد فیور تا سال ۲۰۰۳ عهده دار ریاست جشنواره شد. در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ ریاست جشنواره برعهده «هورتنس آرشام باد» و «وینسنت بادریل» بود. جشنواره آوینیون منظری از خلاقیت‌های نمایشی معاصر در فرانسه و دورنمایی از آینده سایر سنت‌های تئاتری به ما می‌دهد، با مخاطبان وفادار و دائمی که هر سال بیش از صد هزار بلیت خریداری می‌کنند. شاید دیگر آن شور و حرارت و اشتیاق اولیه در جشنواره وجود نداشته باشد اما هنوز یک محک و گواهی روشن بر حیاتی بودن هنر و زنده بودن تئاتر در زمانه‌ای که تمامی ارزش‌های فرهنگی به زیر سوال می‌رود، است. هدف جشنواره معرفی خلاقیت‌های نمایشی معاصر داخل و خارج فرانسه و اجراهای صحنه‌ای (در کل در حدود ۵۰ اجرا در سال) برای مخاطبانی است که هر سال تعدادشان روبه افزایش می‌رود. در آوینیون و حومه شهر نظیر صومعه‌ها، کلیساها، قصرپاپ و تالارهای مدارس در حدود ۲۰ مکان اجرا وجود دارد. تنها نمایش‌هایی برای حضور در جشنواره پذیرفته می‌شوند که قبل از انتخاب توسط مدیر هنری هیچ اجرای عمومی نداشته باشند. در واقع خیلی از نمایش‌ها برای اولین بار در جشنواره به اجرای عمومی در می‌آیند. مدیران جشنواره، گروه‌های فنی، اداری و تولید در آوینیون مستقر هستند و پرسنل روابط عمومی در پاریس به کار مشغولند. این گروه از ۲۰ نفر عضو اصلی تشکیل شده که به تدریج افزایش پیدا کرده تا اینکه در ماه جولای به تعداد ۶۰ نفر می‌رسد.

جشنواره تئاتر آوینیون از سال ۱۹۸۰، به‌صورت یک سازمان غیرانتفاعی درآمد و بسیاری از سازمان‌های دولتی مثل دولت مرکزی، شورای شهر آوینیون، شورای منطقه‌ای آلپ، پرداخت کمک هزینه به جشنواره را تقبل کرده و هرکدام یک کرسی در هیات امنای هفت نفره جشنواره برعهده دارند.

هیات امنای جشنواره دو یا سه بار در سال دور هم جمع می‌شوند تا در رابطه با جهت‌گیری‌های اصلی جشنواره، برنامه‌های هنری و بودجه تصمیم‌گیری کنند. مدیران جشنواره توسط هیات امنای انتخاب می‌شوند و به‌صورت رسمی باید از طرف شهردار آوینیون و

وزارت فرهنگ فرانسه تایید شوند. مدیران هنری از زمان ژان ویلار، بنیانگذار جشنواره، کاملاً در انتخاب برنامه‌های خود آزاد بوده‌اند و تمامی سازمان‌های دولتی مربوطه، صرفنظر از تمایلات و قدرت سیاسی خود، همیشه این استقلال را به رسمیت شناخته‌اند.

جشنواره آوینیون متشکل از تولیدات برگزیده‌ای است که توسط گروه مدیران هنری جشنواره انتخاب می‌شوند. از سال ۲۰۰۴ یک هنرمند دانشگاهی به گروه اضافه شده که نقشه هنری جشنواره را ترسیم می‌کند و این بیشتر سوال‌ها، تکنیک‌ها و سلیقه‌های خود این هنرمند دانشگاهی است که بر روی جشنواره تاثیر می‌گذارد تا نمایش‌ها.

هنرمندان دانشگاهی که تا به امروز به مدیریت جشنواره انتخاب شده‌اند از این قرارند: توماس اوسترمیر (۲۰۰۴)، ژان ناب (۲۰۰۵)، ژوزف نادج (۲۰۰۶)، فدریک فیسناس (۲۰۰۷).

مدیر هنری جشنواره، هنرمندان و آثارشان را انتخاب می‌کند و هیچ کمیته انتخابی وجود ندارد. در حاشیه

جشنواره و در همان زمان،

جشنواره «The off» هم برگزار می‌شود. بسیاری از شرکت‌های تئاتر فرانسوی و بین‌المللی، برنامه‌های خود را در پیش از ۲۰۰ صحنه موجود در آوینیون برای تئاتر دوستان به اجرا می‌گذارند. سازماندهی جشنواره «The off» کاملاً از جشنواره آوینیون جدا است.

حدود ۶۰ درصد از بودجه جشنواره از طریق کمک‌هزینه‌های دولتی تامین می‌شود، ۲۵ درصد از فروش بلیت‌ها و بقیه هم از سرمایه‌های خصوصی.

محدودیت جشنواره، هزینه اجرای هر نمایشی که به

جشنواره دعوت می‌شود را پرداخت می‌کند و به آنها در

جلب سرمایه از طریق سازمان‌های هنرهای نمایشی فرانسه نظیر آرامی و سازمان‌های دولتی محلی، ملی یا بین‌المللی و یا همکاری با سایر تئاترها کمک می‌کند. آوینیون همچنین نقش تهیه‌کننده را برای یک یا دو تئاتر بازی می‌کند. در این حالت، جشنواره مسوول تهیه احتیاجات مالی و فنی این نمایش‌ها است و هنرمندان و عوامل صحنه آنها را استخدام می‌کند. دکور نمایش را در کارگاه‌های آوینیون می‌سازد و مسوولیت بخش نمایش در فرانسه و خارج از فرانسه را بعد از پایان زمان جشنواره برعهده می‌گیرد. در سال‌های اخیر نمایش‌هایی نظیر «پرومئو» به نویسندگی رادزیگر گارسیا و کارگردانی فرانسوا برور و «پیر جانیت» به کارگردانی پاتریک پنیو، توسط جشنواره تهیه شده است.

همچنین تورهایی برای نمایش‌های غیرفرانسوی شرکت‌کننده در آوینیون مثل «رومئو ژولیت» شکسپیر به کارگردانی لیتوانیان اسکاراس کورسونواس در فرانسه و جاهای دیگر اروپا برگزار کرد.



TV drama and stage recorded plays of the Fadjr radio and television productions section

TV drama or Tele theater and stage recorded plays radio plays although are independent genre themselves but they are originated from theater, indeed. Radio plays and televised theater are new foreground for the artists and dramatists to be considered seriously

TV drama and stage recorded plays and radio plays is introduced for the radio and television productions section of The 26th Fadjr International Theater Festival. This is a by line section of performance In Iranian Artists Home stage recorded plays will be showed and the radio plays will be voiced by professional will be voiced in live programs Nader Borhanie Marand is a famous director of theater is the secretary of committee for selection of the radio and television section of The 26th Fadjr International Theater Festival, announced that it is an honor for the festival because it will gather a large audience to theater. The audience are various classes of the society, rarely going to theater halls, for they believe that theater is theater is not for them. Two broadcasting radio stations, namely Radio Javan(Youth Radio) and Radio Goft o goo(Radio Dialogue),TV channel four broadcasts some of the selected tale theaters. Hamlet will be aired on Radio Javan.The secretary says he is doubtful about the achievements.

Radi the playwright Dies

In the dead of winter an omen, around eight o'clock Short message system flooded with a bad news, Iranian playwright Akbar Radi died of cancer on December 26 at Tehran's Pars Hospital. A crowd of men and women rushed to Pars hospital ,a sigh of loss rose in wintry cold day. His works are compared with the plays of Anton Chekhov. Radi was a faithful disciple of Chekhov in portraying documentary .In some of his plays the track of Chekhov's style of writing could be observed.Although his time and place was different. Playwriting is different in our country and the comparison do not justify.

From the beginning of his career in the field, his skill in playwriting and his power with words drew the attention of the giants of Iranian theater. Radi is regarded as the influent playwright his talent can not be discussed in one or two essays and criticism.His long plays depicted family affairs them in his plays with scenes and sets like big houses with several characters as the different classes of society..Dialogues are frequented in his plays as arole key.

His play depicts a sharp and witty language full of metaphors and puns,using Tehrani dialect.

Play Reading

Play Reading Section Play reading has been considered seriously for a couple of years by authorities and artists along with enthusiast audience. In this section eight plays are selected to be performed live .The plays will be read in City Theater main hall Café 'at 14 hours. In this issue a roundtable is to be discussed the importance developments and hindrances of this section in a forum..

Qoutations:

The competition of Iranian troupes and their foreign counterparts in competition section of 26th...is very useful, indeed. Although it should be noted that

the plays in European country differs totally in quantity and quality of the performances halls and accessories. Although juries consider the texts and performances in their judgments our works may be more beautiful and fresh.

Behruz Gharibpour

Director and playwright Shirin Bozorgmehr Lecturer at university

In such an event,a possible time and place provides a situation to gather the theater lovers to perform their art for audience.This leads to a dynamic theater.

See Rashomon

Domique Hober producer and costume designer of Rashomon invites the audience to attend the performance of the play in Park e Laleh.Rashomon is a play performed by two troupes Mixca and Blenourk once for one audience. Hober explains that when the audience buys a ticket

And is given a key and enters a scene designed like a hotel with five rooms and communicates with the actors.Bernard Mixca the director has not been able to attend here due to his illness.The troupes are swiss and German and perform in German Language.Each performance is for an audience.It has been staged in Switzerland and Germany.

Recommends

You are kindly requested to visit the exhibition of 25 years Iranian Theater Festivals,or you miss it a lot.Here a special section is included as a byline exhibition.194 poster are hanged in .This provides a golden possibility to see the posters if Aideen Aghdashlu,Mortza Momayez,amir Esbati,Mohammad Reza Sharifnia,Hossein Khosrojerdi,Khosrjerdi,Ebrahim haghghi and others. Saba cultural Complex in Baradaran Mozaffar Jonobi in walking distance from City Theater comlex.

Excerpt Sudalaiyadi

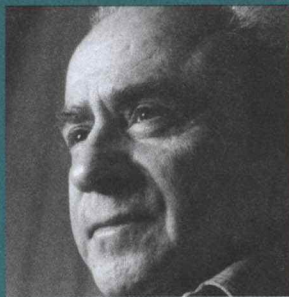
Hadi Javedani.

Drama is rooted in rituals. Each nation contributed in development of the art on the basis of her own doctrine and tradition and ideology toward life,Myths,fables,traditionsand etc are rooted in the minds of human beings in the beginning of history.Today they are the background for better understanding of the eternal questions of modern man. Sudalaiyadi means a dancer who dances on the ashes in a cemetery and is also one of the names of the Indian goddess of dance and love. The performance narrates the story of one second in the mind of the life of a Budhist monk burning a dead body at a temple., he sees the dead man dances in fire in his hallucination .The scene drives the monk crazy so that he commits suicide. Such performances of different cultural origins promotes the view of audience and artists in particular

My paradoxical life

Reza Ashofteh

Move,voice...a new giving birth to new meditation.An actor wraps himself in a black ribbon bearing Farsi and English sentences and numbers. He described in the lobby about the performance.Now we are waiting to reach an agreement maybe.Ali Moeini actor and director of My paradoxical life has an earlier performance in Dancing on glasses and earned a reputation as well. He performs with a French troupe a different kind of experience on the stage. His ordeals result in method of using the voice movement improvement.This is a new scientific point of view and achieving aesthetics.



Juries of international competition section of Fajr International Theater Festival, the performances caught us surprised .

Foreign members of jury in The 26th Fajr International Theater Festival had a meeting with Hossein Parsayee director of dramatic arts center and Majid Sarsangi secretary of the Festival reported their own opinion about the event discussed the performances of the troupes

Director of dramatic art center said that the theater in Iran is a developing movement. He added "more than 1000 troupes are active throughout the country and most of them are young performers".

He also said that Iranian theater is very active in international levels. He added, "Nowadays some of our performers and artists are the members of international bodies. And during the last year 70 troupes attended the international festivals and events. Parsayee added in further development that Fajr festival is the most important event in the country. He hopes this will lead to better understanding of Iranian theater in international level and promotion of theater within the country.

Majid Sarsangi secretary of 26th Fajr Festival says he has a pleasure to host the masters and directors of other nations here herewith in the event. He explained the sections and structure of the festival and added "Iran has many potentials in theater and 26th Fajr Festival is a unique opportunity to exhibit a part of them.

Sarsangi believes that cultural relationships among the nations are very important. He adds "Theater is capable of being a medium for bringing together the different culture bearing peace, friendship and spirituality in human society.

In this session Nader Al qana, Wilson Henrique and Alexander Dangerovich from international jury described their opinions about 26th Fajr Festival .Dr Nader Al qana admired the cultural movement in Iran and said that Iran is an ancient civilized country pioneering in world culture and art. He added "I am very honored to be here in Iran and I firmly believe that such exchanges will bridge the gap between nation and null the wrong propaganda of western countries. Dr Wilson Henrique also says ,he is very glad to in Iran. He added "I hope to convey my good experiences of being here in your festival to my country."

Dr.Alexander Sasha Dangerovich sees 26th Fajr Festival an important event and says "I am caught by surprise with such excellent programs." He adds the data and experience exchanges are vital in the realm of theater and he believes there are many countries willing to know the Iranian theater and participating in such a festival, is a panorama of Iranian theater helps them in gaining better views of Iranian theater



سایت عکاسی جشنواره تئاتر فجر

www.fajrtheater.akkasee.com



نشریه روزانه نیست و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر
مدیرمسئول: دکتر مجتهد سرسنگی
سرمدتیر: نوکیان
معاون سرمدتیر: ایمان شمسائی
دبیر تحریریه: آزاده سهرانی
مدیر هنری: هومن خطی
دبیر بخشی عکاسی: بابک بزرگ
ویراستار: یحیی گیلکی
مدیر هماهنگی: جمال جعفری آثار
همکاران: امین امیرای ، سما باغی ، امین امیرای
صفحه آرا: محسن روحانیون
تحریریه: ایرج زهری ، جمال جعفری آثار ، فروغ سجادی ، مریم فشنلی ،
سما باغی ، الهام قزاقی ، سیده شمس ، پیمان شینجی ، آذر مهاجر ،
مادی خاردانی ، ندا فضلی ، گلرین نادری
همکاران ستاد خبری: سحر رضایی ، زهره گلدار ، جواد روشین ، راحله فاضلی
مترجم: امین امیرای ، آدین شیرینی
حرفه‌نویس: عباس میرزا جعفر و میترا تیموری



Dramatic Arts Center